

# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آیین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

سال اول - شماره ۲۶۸  
صفحه ۹۹۸

میرسید محمد شاهی نماینده مجلس شورای ملی

شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۲۴

دوره چهاردهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۴۶۱

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱- مذاکرات یکصد و هفتاد و نهمین جلسه مجلس شورای ملی صفحه ۱-۱۱
- ۲- اخبار مجلس » ۱۱
- ۳- سؤالات نمایندگان » ۱۱
- ۴- بخشنامه » ۱۱
- ۵- انتصابات و احکام » ۱۱
- ۶- تصویبنامه ها » ۱۲
- ۷- آگهی های رسمی و نپتی » ۱۳

## مذاکرات مجلس

جلسه ۱۷۹

صورت مشروح مجلس روز پنج شنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۲۴

مجلس یکساعت و چهل دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای ملک مدنی نایب رئیس تشکیل گردید

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان صادقی - اردلان و مهندس فریور
- ۳- اظهارات آقای وزیر دارائی
- ۴- نطق قبل از دستور آقای صفوی

- ۵- بیانات آقای دکتر مصدق بعنوان اخطار نظامنامه ای در پاسخ آقایان وزیر دارائی و صفوی
- ۶- سؤال آقای فرمانفرمائیان از آقای وزیر جنگ
- ۷- اخطار آقای نایب رئیس و تعطیل جلسه

صورت مجلس روز قبل را آقای ماشی (منشی) بشرح زیر قرائت نمودند:

### ۱- تصویب صورت مجلس

مجلس یکساعت و سه ربع پیش از ظهر بریاست آقای ملک مدنی نایب رئیس تشکیل گردید. صورت مجلس قبل قرائت و با تذکرات اصلاحی عده ای از آقایان نمایندگان مبنی بر اجازه غیبت و لزوم تجدید نظر در تصمیم هیئت رئیسه راجع بطرز تشکیل جلسات و نطق قبل از دستور نمایندگان تصویب گردید.

فائین با اجازه - آقایان: حسین تهرانی - رحیمیان - نبوی - شهاب فردوس!  
غائبین بی اجازه - آقایان: مخبر فرهمند - امیر تیمور - عبادت رتبی - مظفرزاده - مؤید ثابتی - خاکباز - دکتر کشاورز - نقابت - کفائی - آصف - امیر ابراهیمی - مقدم - سنندجی - صمصام - تولیت - پوشهری - دکتر معاون - سیدضیاءالدین طباطبائی -

جواد مسعودی - دکتر رادمثنش - سیف پور - دکتر عبده - بهبهانی - دشتی - مسعودی - افشار صادقی - شریعت زاده - معدل - رفیعی - هجد - کامبخش - ایرج اسکندری - حشمتی - مهندس پناهی - دکتر آقایان جمال امامی - دکتر کبان - آرداش آوانسیان - مراد آریه - حسین لشکرانی - پوررضا

آقای ثقة الاسلامی بدو مشعر بتمنید از روش اقتصادی و دخالت بی مورد دولت در امور بازرگانی و بی ترتیبی وضع تجارت، صادرات و واردات و تباین تصویبنامه های صادره از هیئت وزیران راجع به صدور برنج و ورود لباس و قند و شکر با قوانین موضوعه و سوء استفاده جمعی بضرر دولت و مصرف کنندگان شرح مبسوطی بیان و در باب سیاست خارجی نظر باخبر

منتشره اظهار نمودند با تشکیل هر کمیسیون برای کشف حقایق و مشاهده اوضاع رفت باراهالی آذربایجان که مال و جان و ناموسشان زیر چنگال مستی اشخاص ناشناس افتاده و وضع ساختگی آنجا که مورد تفر تمام ملت است کمال موافقت را دارند ولی چنانچه کمیسیون مزبور بمسائل دیگری مانند آسنه مجلس ایران بخواهد توجه کند کاملاً بی مورد است زیرا در ایران اختلافات نژادی وجود نداشته زبان تمام اهالی ایران زبان فارسی است و هیچ مقام خارجی حق ندارد در ایران فرض بودن چندین زبان را بکند و هر تصویبی برخلاف اصول حاکمیت و وحدت ملی ایران گرفته شود قابل قبول نیست و در ختام سخن با اشاره باظهارات آقای تیمورتاش در جلسه گذشته شمه مبنی بر دفاع از آقای تقی زاده و شرح خدمات و زحمات نام برده در راه آزادی مشروطیت ایران و وطن پرستی ایشان اظهار اضافه نمودند در این زمان بایستی تمام طبقات یکدل و یک زبان برای نجات مملکت بکوشند

آقای تیمورتاش بعنوان اخطار نظامنامه ای مختصری دائر لزوم رسیدگی بکلیه پرونده های زندگانی سیاسی و طومار حیاتی رجال کشور برای تشخیص خائنین از خادمین بهین بیان و عقیده داشتند صرف نظر از هر چیز امروزه ریاست هیئت نمایندگان ایران در سازمان مجمع ملل متفقہ بایستی باشخصی باشد کدر سنوات اخیره هر خود را در ایران صرف کرده باوضاع و احوال کشور کاملاً آشنا و بصیر باشد آقای وزیر

این مذاکرات مشروح یکصد و هفتاد و نهمین جلسه از دوره چهاردهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

دارائی بمناسبت بیانات آقای ثقة الاسلامی اظهار داشتند در باب پیشنهادیکه اشاره شده چنانچه در اعلامیه رسمی وزارت امور خارجه متذکر است هیچگونه تصدیقی تا بحال گرفته نشده و موضوع از مرحله مطالعه تجاروز نکرده است و بدیهی است بدون مشورت مجلس شورای ملی هیچگونه اقدامی نخواهد شد راجع سیاست اقتصادی دولت و علل صدور تصویب نامه آزادی ورود البسه و غیره برنج تا این اندازه مضیق در همیشه عمومی ایجاد نمائید همچنین اجازه ورود قند و شکر بواسطه عدم تکاؤف و تناسب سهمیه معین در کمیته خاور میانه با اهمیت ایران وجود بازار سیاه و نرخ آزاد قند و شکر و بدی وضع جیره بندی و بی ترتیبی توزیع کوبن و نرسیدن سهمیه سهمیه از ایالات و ولایات و سوء استفاده جمعی از تجار و مستخدمین شرح مفصلی اظهار و تشریح نمودند اجازه ورود هزار و دویست تن شکر موجود در کمرک نه تنها باعث زیان دولت نبوده بلکه در جلوگیری از ترقی نرخ بازار آزاد نیز ممکن است تا اندازه مؤثر باشد

مستخدمین دولت معلوم نیست فعلا لغو آن چندان مذب باشد باضافه بایستی معلوم شود باوجود انحصار تجارت خارجی چگونه تجار قند و شکر در کمرک وارد کرده و چند برابر قیمت بازاری بخواسته اند بدولت بفرشند با عمل اخیر دولت و از این مقرر قبسه میلیون و پانصد هزار تومان ضرر مردم استفاده نمایند پس از آن رو زشت استغناء نامه آقای فولادوند را از عضویت کمیسیون داد کستری بمناسبت عدم رسیدگی با اعلام جریمه ارجاع شده و دفع الوقت کردن کمیسیون قرائت و در توضیح نظریه خود در یکی از جلسات قبل نسبت به مطبوعات و رفع سوء تفاهم تفسیر نمودند متصوم تمام مطبوعات نبوده بلکه مطبوعاتی هستند که با هیچ سرمایه ای اداره نشده و نظری جز خدمت بشکرت ندارند

با يك تصویب نامه صدور برنج را آزاد میکند و باعث گرانی برنج میشود بنده خواستم عرض کنم که آقا توجه بفرمائید در مطالبی که ذکر فرمائید مخصوصا در مطالب اقتصادی و سیاسی هر دو را توجه بفرمائید که درش دقت بیشتری بشود. آقایان نمایندگان گیلان اطلاع کامل دارند و مخصوصا آقایانی که در گیلان علاقه دارند و یا بوده اند تمام اطلاع دارند که در سال در حدود چهار هزار تن برنج از گیلان و مازندران صادر میشود. برنج چینی که ابدام صرف معلی ندارد اگر این برنج صادر نشود و بماند میبوسد و رعیت هم که با بد این برنج را بفرشند والا در حقیقت دچار فقر و مسکنت میشود (صحیح است) و قوه خریدش کم خواهد شد بنده استدعا میکنم که مخصوصا این نکته را توجه بفرمائید.

آقای دکتر مصدق بمناسبت انتشار خبر داد و لندن پشمر بیست و دو سفیر کبیر انگلستان و آمریکا بدولت ایران در باب تشکیل کمیته - نفری از نمایندگان شوروی و انگلستان و آمریکا شرح مفصلی در مضار این پیشنهاد و تناقض آن با مصالح مملکت و تنافی با قانون اساسی و حاکمیت و استقلال کشور ایران بیان و تشریح نمودند هیچ دولتی نمیتواند در این قبیل امور که حیات سیاسی مملکت را قطع و استقلال آنرا بر باد میدهد قبل از عرضه آن بمجلس شورای ملی موافقت کند و هر دولت وطن پرستی باید بدون مطالعه این قبیل پیشنهادات وارد نماید و در باب اختلافات معلی معتقد بودند جرد قسمت آذربایجان در هیچ نقطه دیگر اختلافی موجود نیست و آنرا هم بدو بایستی با مذاکره با خود امالی آذربایجان رفع نمود و چنانچه نتیجه نداد با مذاکره مستقیم با دولت اتحاد جماهیر شوروی حل اختلاف بشود و بهیچوجه صلاح نیست که با دولتین آمریکا و انگلستان بنام سه دولت وارد مذاکره بشود.

وزیر اسبق دارائی که بکمیسیون عرایض ارجاع شده بباستناد مواد ۲۸۳ و ۱۵۳ و ۲۰ قانون جزائی نامبر در امر جرم و قابل تعقیب دانسته بقاضی اودند کمیسیون با در نظر گرفتن این نکات گزارش مقتضی صادر نمایند.

آقای وزیر فرهنگ يك فقره لایحه راجع باصلاح قانون شورای عالی فرهنگ بقدیمت تقدیم آقای وزیر دارائی مجدداً شرحی در پاسخ آقای دکتر مصدق توضیح بآقای وزیر بهداری نیز مختصری دایر بلزوم نگاهداری بنگاه دارویی جهت تهیه دوا برای وزارت بهداری و بنگاههای دولتی بقیمت ارزان و جلوگیری از گرانی و روشی دارو و تمدنی مردم اظهار نمودند آقای وزیر کشاورزی نیز يك فقره لایحه راجع بسازمان بنگاه مستقل آبیاری بمجلس تقدیم و تقاضا نمودند در تصویب آن همچنین قرائت لایحه ایجاد صندوق تعاون کشاورزان مجلس شورای ملی تشریح نمایند جلسه آینده روز پنجشنبه بیستم دیماه سه ساعت پیش از ظهر و کول دستور آن بقیه مذاکرات آقایان نمایندگان و طرح لوایح موجود تعیین و مجلس سی و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد

آقای تقی زاده برای ریاست نمایندگان ایران در سازمان ملل متفقه صلاحیت نداشته و از نظر صلاح و صواب ملت ایران مقتضی میدانستند که آقای نخست وزیر از کار کناره جوئی نمایند و تشریح کردند امروزه دولتی لازماً است که در بطرفی او هیچیک از همسایگان نزدیک ننمایند و قادر باشد که برای مشکلات مملکت راهی پیدا کند و اگر در حال پیدا نشود تا سازمان ملل متفقه در لندن است چاره جوئی بشود. راجع به ملیات اقتصادی دولت آقای دکتر مصدق اظهار داشتند با هر انحصاری اصولاً مخالفند و باید انحصارها بتدریج لغو شوند چنانچه نسبت به ورود دارو که انحصار آن لغو شده در آینده نزدیک نیز بایستی بمجلس تقدیم رسیدگی شود تا در صورت عدم لزوم این بنگاه را منحل نمایند. در موضوع لغو انحصار قماش و قند و شکر نیز شرحی بیان و عقیده داشتند با تعیین سهمیه قماش در کمیته مذاکرات خاور میانه و کسر واردات و عدم توانائی مردم بخصوص

روزنامه اطلاعات توجه بفرمائید در روز جناب آقای دکتر مصدق در بیانات خودشان فرمودند کاری نکنید که در اول جوانی يك نامی داشته باشید که عمری بزشتی از شما یاد بشود (صحیح است) بنده استدعا میکنم آقای دکتر مصدق این موضوع را توجه بفرمائید و اگر خلاف حقیقت است تذکر بدهند در يك قسمت هم در روزنامه اطلاعات خواندم که اصلاً قضیه مسخ شده است (طباطبائی) اینکه مربوط بصورت مجلس نیست (مربوط بصورت جلسه است) (طباطبائی) صورت جلسه آنجا است (در روزنامه اطلاعات نوشته است که آقایان متوجه این مطالب شده و در رأی خود تجدید نظر بکنند و مثل آقای امینی در اول جوانی نامی بزشتی برای خود تهیه نکنند این درست مسخ مطالب است استدعا میکنم مطالب را تصحیح بفرمائید. دیگر این که در صورت جلسه فکرت شد که آقای ثقة الاسلامی در بیاناتشان در روز راجع به صدور برنج فرمودند که دولت

بکفایت آنچه را که بنده عرض کردم راجع به برنج و غیره بنده مخصوصاً راجع به برنج حرف نمیزدم برای تصویب نامه هائی بود که تصویب نامه صادر میکنند امروز آزاد میکنند فردا دو باره لغو میکنند و دو باره آزاد می کنند در نتیجه این تصویب نامه ها برنج در خود طهران موجود است آنوقت که تصویب نامه صادر نشده بود برنج نمره يك در طهران دوازده قران بود حالا شده تقریباً بیست و پنج قران و دست ما میرسد بخیرم و این هم که بشان فرمودند که چه چیا را از رشت و مازندران و گیلان نمیگذارند بایند اینجا صادر میکنند این محسوس است والا خود من که چهار هزار تن بایست هزار تن اجازه بگیرم مقصود تصویب نامه بود نه برای برنج

بکفایت آنچه را که بنده عرض کردم راجع به برنج و غیره بنده مخصوصاً راجع به برنج حرف نمیزدم برای تصویب نامه هائی بود که تصویب نامه صادر میکنند امروز آزاد میکنند فردا دو باره لغو میکنند و دو باره آزاد می کنند در نتیجه این تصویب نامه ها برنج در خود طهران موجود است آنوقت که تصویب نامه صادر نشده بود برنج نمره يك در طهران دوازده قران بود حالا شده تقریباً بیست و پنج قران و دست ما میرسد بخیرم و این هم که بشان فرمودند که چه چیا را از رشت و مازندران و گیلان نمیگذارند بایند اینجا صادر میکنند این محسوس است والا خود من که چهار هزار تن بایست هزار تن اجازه بگیرم مقصود تصویب نامه بود نه برای برنج

**نایب رئیس** - در صورت جلسه اعتراض دیگری نیست ؟ ( گفته شد - خیر ) صورت جلسه تصویب شد - دو سه نفر از آقایان پیشنهاد ورود دستور را کرده اند و پنج شش نفر هم از آقایان اجازه نطق قبل از دستور خواسته اند

**محمد طباطبائی** - رای بگیریم

**صادقی** - بنده مخالفم

**نایب رئیس** - آقای مجدضیائی و آقای حاذقی پیشنهاد ورود دستور کرده اند. پیشنهاد آقای مجدضیائی قرائت میشود ( اینطور خوانده شد ) پیشنهاد میکنم لایحه سه دوازدهم در دستور امروز قرار گیرد

**هاشمی** - همچنین آقای حاذقی هم بهمن مضمون پیشنهاد داده اند

**مجدضیائی** - عرض کنم ده روز مانده است که حقوق مستخدمین پرداخت شود لایحه بودجه باید بگذرد و در این دو نامادهای که هست و چند بند دارد در آن بندها سیل نطق جاری خواهد شد استدعا میکنم در آن بندها آقایان اگر مطالبی دارند بفرمائید و بودجه را مطرح کنیم تا مردم هم بلام تکلیف بشانند (صحیح است) هیچگونه یوای بندها برای اینکه میگویند بودجه تصویب نشده است مطرح فرمائید و هر مطلبی آقایان دارند در موقع بند ها بفرمائید (صحیح است)

**محمد طباطبائی** - رای بگیریم

**نایب رئیس** - آقای صادق

**صادقی** - بنده آقا با ورود دستور مخالفم و متأسفانه و بدبختانه در کشور عزیز ما هر قدر يك نفر بخواهد خون سرد باشد و قادر بر اداره اصاب خودش باشد وضعیتی بیش بآید مخصوصاً در مجلس ما که اورا از حال عادی و طبیعی خارج میکنند (صحیح است) بنده تقریباً چهار پنج جلسه است اینجا عرض میکنم که مطالبی دارم قسم خوردم و باز هم قسم میخورم که مطالب من بر علیه بانک ملی نباشد (آقایان - شای چند جلسه است اجازه میخواهید بنده دو ماه است) چون آقای وزیر دارائی تشریف ندارند در بودجه نمیشود صحبت کرد بنده اجازه میخواهم در حدود چهار پنج دقیقه مطالبی دارم عرض کنم مطالب بنده آقا عبارت از این بود

**نایب رئیس** - آقای صادق شما مخالفانستان با ورود در دستور است من باید اول رای بگیرم

**بعضی از نمایندگان** - عده بسیاری رای کافی نیست

**صادقی** - حالا که عده برای رای کافی نیست میشود مذاکره کرد

**فداکار** - وزیر دارائی نیست که لایحه بودجه مطرح شود

**نایب رئیس** - مجلس باید اجازه بدهد که شما صحبتتان را بکنید. آقایان موافقت میکنند که ایشان صحبتشان را بکنند ؟

**بعضی از نمایندگان** - بفرمائید صحبتتان را بکنید

**نایب رئیس** - بنابراین نوبت آقای اردلان است بعد آقای صادق

**اردلان** - بنده نوبت خود را میبدم با آقای صادق

**نایب رئیس** - آقای مجدضیائی پیشنهادتان را پس گرفتید یا رای بگیریم ؟

**فداکار** - وزیر مسئول نیست

**نایب رئیس** - باید نظامنامه را رعایت کنیم

**فرمانفرمایان** - بگذرید ایشان حرفشان را بزنند بعد رای بگیریم

**نایب رئیس** - ایشان بنام مخالفت با ورود در دستور اجازه خواسته اند حضرت والا که مخصوصاً آگاهی بآین نامه مجلس دارند من نمیتوانم بایشان اجازه بدهم که حرف بزنند باید اول رای بگیریم. رای میگیریم. ورود در دستور آقایانیکه موافقت قیام بفرمائید (عده کمی برخاستند) تصویب شد حالا آقای صادق بفرمائید

**۲- بیانات قبل از دستور آقایان**

**صادقی** - اردلان و مهندس فریور

**صادقی** - همه ما میدانیم بانک ملی يك مؤسسه ای است هر قدر تأیید یا تنقید داشته باشد که با وضع خودش بشود بمناسبت حسن اداره و نظام کاملی که در این بنگاه هست شامل بانک ملی نخواهد شد چنانچه تا حال هر چه گفتگو راجع به بدی دستگاه دولت و هیئت حاکمه شده است هیچ تنقیدی نسبت بوضع بانک ملی ایران نبوده است. چرا ؟ برای اینکه بانک ملی ایران يك بنگاه ای است که بقیقه بنده از سال ۱۳۰۷ که این بنگاه تاسیس شده است و تا بحال که در حدود هفده سال است مشغول کار است این بنگاه با نهایت خوبی و با نهایت نظم کار خودش را انجام داده است و تا کسی ارتباط با امور بانکی نداشته باشد و سرود و نبیند در کشورهائیکه آنها ممالاتی با بانک ملی ایران دارند چه احترام و چه عطفی برای بانک ملی ایران قائل هستند نمیدانند که این بانک چه نظم و نظاماتی داده و برای ما خیلی قیمتی است و این را بهر نحوی هست باید نگاه داشت من تردید ندارم که بانک ملی ایران اهم از کار منداش یا مدیرانش اشخاصی هستند که من قسم میخورم مدافع این هستم که در بانک ملی ایران در ظرف این هفده سال تاسیس بخدای احد و واحد يك کار بی فایده نشده است و اگر اشخاصی هم بوده اند سه نفر یا چهار نفر از کارمندان بانک که بد بوده اند بعضی کارمندان کوچک بانک آنها بقدری به عقوبت و کفر خودشان رسیده اند که هیچ در سایر ادارات مانظیر نداشته است

اخیراً در آذربایجان وضعی برای بانک ملی پیش آمده است بانک ملی تبریز خودش در سال ۱۳۰۷ یعنی در اواخر ۱۳۰۷ تاسیس شده است و بقدری منظم کار کرده است که من برای اطلاع آقایان عرض میکنم که بانک ملی ایران فعلاً در وضعیتی است و در وضعیتی بود که بانک شاهی که تمام کار های مالی کشور ایران را در دست داشت میبود. شد که تمام شعبه را جمع کند و بفرمازم کز و سه چهارشنبه دیگر شش دیگرش هیچ قابل استفاده و قابل صرفه نبود بطوریکه بنده میخوام آنجا وضعیتی پیش آمده است که وجوه مردم را بانک نمیدهد (بکنفر از نمایندگان - در کجا ؟) در تبریز این البته نتیجه اش این میشود که در سایر جاهام در بانک ملی ایران که مؤسسه ایست که بقدر چشم من عزیز است و البته بانک ملی ایران مثل خانه پدری من است. خانه پدری که از آن نرنجیده ام مدت خدمت من بیشتر در وزارت دارائی بوده است من دوازده سال در بانک ملی ایران کار کرده ام والله هر وقت از بانک می گذرم مثل خانه پدری بانجا نگاه میکنم خانه پدری که از آنجا نرنجیده ام در وزارت دارائی شاید مرا رنجانده اند ولی بانک ملی مؤسسه ایست که مرا نرنجانیده است و همه آنرا دوست دارند این نتیجه اش این شده که بکده ام اگر در تبریز فرض بفرمائید در مقابل چك يك نفری که وجهی در حساب خودش دارد پرداخت نشد این مؤثر می شود در مرکز در سایر ایالات و حتی در سایر کشورها من تردیدی ندارم در ایالات و حسن نظر آقای ابتهاج مدیر بانک ملی اولان مدافع آن هستم که آقای ابتهاج يك مرد وطن پرست بسیار صمیمی است (صحیح است) تا بنایك آدمی است مسلط بر اوضاع در بانک خوشبختانه حتی در زمان سابق هم شاه سابق هم نخواست بانک ملی ایران هم وضعش با تعیین رؤسای بد خراب بشود بطوریکه می بینیم بانک ملی ایران رؤسایش پس از رفتن آلمانی ها اول آقای زند بود بعد آقای علاء بعد مرحوم فرزین بود بعد امیر خسروی بعدم آقای ابتهاج این ها مردمانی هستند که هیچیک دام از آنها نمی شود بد گفت (تهرانچی - امیر خسروی آقا) امیر خسروی هم در بانک ملی بدی نکرد (تهرانچی - تمام خرابی های بانک ملی از امیر خسروی است) تمام بانک را بنظم و عظمت امروزی امیر خسروی رساند بی انصافی نکنید آقای تهرانچی من وارد هستم استدعا میکنم اجازه بفرمائید من عرضم را بکنم بطور خلاصه عرض میکنم من اطمینان این را دارم که اگر امروز يك وضعی پیش می آید بالاخره باین منجر می شود (البته من نمی گویم سلب اعتماد مردم می شود) ولی تا اندازه ای رنجش مردم از بانک ملی ایران فراهم می شود چ ۹۱ برای اینکه بانک ملی ایران عرض کردم بازم تکرار میکنم که شما اگر بروید بمراکز مهم مالی دنیا می بینید که بانک ملی ایران يك عطی دار يك اعمیتی دارد آنجا هاشقی در کشور هائی که متأسفانه خود ایرانرا خوب نمی شناسند بانک ملی ایران شناخته شده است این را تمام آقایان بازرگانان میتوانند تأیید کنند (صحیح است) بنا بر این وضعیتی که در بانک تبریز پیش می آید فرض کنید يك سربازخانه ای را اشغال کنند یا يك قسمت از کشور بيك حالی بیفتد بااعاده و با پس گرفتن از افراد غربا باز می گردد ولی موضوع اعتبارات مالی و موضوع بانک

ملی طوری نیست و تنبیه که نااندازه‌های جریحه دارنده آنرا فوری نباشد بر گرداند (صحیح است) این معنی است. این دیگر حدود و ثبوت و انتقال و تصرف و اینها را نمیشود (صحیح است) بنده حس میکنم و تا اندازهای می بینم امروز اغلب بازرگانان و متولیان که اینجا هستند احتیاط دارند از اینکه حساب خود را وجوه خودشان را در بانک ملی ایران بگذارند (صحیح است) البته بعقیده بنده این خیلی بیجا است و نظر بنده این بود که خواستم آقای وزیر دارائی یا خود مدیر کل بانک توضیح بدهند که وضع معاملات بانکهای آذربایجان چه بوده؟ و اگر وجوه پرداخت شده از چه راه بوده است؟ این تا اندازهای اطمینان خاطر دیگران را هم جلب میکنند حالا بعقیده بنده بانک ملی ایران در آنجا فرض کنید بانک آنجا پانجاه میلیون یا پنج میلیون بدهی داشته است یا شخص این را نداند شاید ضررش بیشتر از دانش باشد چرا؟ برای آنکه طلبکاران دو جور هستند یکی بازرگانانی هستند که وجوهی دارند بایست بگیرند و بدهند بطرف هاشان و اعتباراتشان را حفظ میکنند و یکی هم مردمی هستند که مسا آنها را تشویق کردیم. ترغیب کردیم برای سیردن وجوه خودشان به بانک فرض بفرمائید یک زنی و یک بچه‌ای که پنجاه تومان پول خود را بصندوق صرفه جویی آنجا سپرده است اگر بانک آنرا نداد مضافاً اینکه باعث رنجاندن او میشود یک قدری صدمه با اعتبارات بانک میزند و این تقاضا را بنده از اشخاصیکه امروز در تبریز کار هارا اداره میکنند از آنها هم دارم بآنها خطاب میکنم و میگویم که بانک ملی ایران مؤسسه ایست که اگر کسی خودش را ایرانی میدانند باید آنرا حفظ کنند (صحیح است) (یک نفر از نمایندگان - آهنا رسیت ندارند) باید ترتیبی کرد تا این مؤسسه هم اعتبارات داخلی و هم اعتبارات خارجی خودش را کاملاً حفظ بکند بنابراین بنده استدعا میکنم که هم آقای وزیر دارائی و هم آقای مدیر کل بانک در این مورد بخصوص یک توجه خاصی بکنند اگر وجوه مردم آنجا پرداختنی است آنجا بپردازند یا راه را باز بکنند اشخاصیکه مطالباتی در تبریز دارند اینجا بپردازند. اینجا بتوانند بگیرند اینجا دفاتر هست اینک میگویند ممکن است دفاتر تطبیق نکنند خلاف است و این را خود آقای ابتهاج هم میدانند والله بانک ملی ایران نمونده است که ایرانی قادر است خودش خود را اداره بکند (صحیح است) بانک ملی ایران نمونده است بر اینکه ایرانی مختل نیست. ایرانی بد نیست. دزد نیست. بنده در بانک ملی ایران دوازده سال خدمت کرده‌ام بقدریکه روز این مجلس عصبانی بانک عصبانی نشدم (تهرانچی - خوبست بانک یک قدری هم بجنبه اقتصادی مملکت کمک کند تنها جنبه صرفی نداشته باشد) بنده فعلاً از آقایان نمایندگان محترم و هم از آقای وزیر دارائی و هم از آقای مدیر کل بانک استدعا میکنم باینکار ترتیبی بدهند تا همه بفهمند که بانک ملی ایران همان بانک سابق است و بنده نروم حساب خود را آنجا بکشم و دارائی خود را از آنجا بکشم و بزم بجای دیگر بگذارم این یک صدمه ایست برای بانک و اعتبار بانک و اگر این رویه ادامه داشته باشد شما بتدریج می بینید که در ظرف ده روز یک قسمتی از سرمایه‌ها

بتدریج و فیرهستقیم منتقل میشود بجا های دیگر بنده برای اینکه زیاد وقت آقایان را ننگرفته باشم با خیلی اصرار آمدم اینجا با امتنان بر میگردم و خواهش میکنم که در این باب توجه خاصی بکنند و یا آقای وزیر دارائی یا خود آقای مدیر کل بانک بیایند اینجا توضیح بدهند و بسا در جراید توضیح بدهند و وضع بانک تبریز را ترتیبی بدهند که اگر اشخاص در آنجا وجوهی دارند یا اماناتی دارند امانت خودشان را بتوانند از آنجا بگیرند (صحیح است) بنده نمیدانم این بانک دست کبست ولی ترتیبی میشود داد (صحیح است) ترتیبی میشود داد که هم آن نظری که اقا دارند تأمین شده باشد هم به یک بانک ملی ایران صدمه و لطمه نخورده باشد این را میشود اصلاح کرد.

**نایب رئیس - آقای اردلان (اجازه)**

**قبادیان -** این چه ترتیبی است؟ این که نمیشود همیشه یک عده مخصوصی بروند پشت میز صحبت کنند کسی دیگر صحبت نکنند مدت است اجازه خواستم (صدای زنگ)

**اردلان -** آقای قبادیان اجازه بفرمائید اتفاقاً حالا بکنم از همولا بقیه‌های شما میخوانم صحبت کند بنده با کمال اطمینان قول میدهم که خیلی مختصر صحبت کنم ولی ملاحظه بفرمائید بعضی مطالب هست که نمیشود صرف نظر کرد و باید گفت و راهی هم ندارد جز اینکه قبل از دستور صحبت کرد. بنده فکر میکنم که چیزی باخورد - هاردم نمانده و ما هیچ فکری برای دوره فترت نکرده‌ایم این بود که بنده فکر کردم و در این خصوص مطالعه کردم بقانون اساسی مراجعه کردم و خواستم نظری که در این خصوص دارم با آقایان عرض کنم (فداکار - واقفاً خیلی صحیح است) اگر بنظر شما اهمیت ندارد عرض نمیکند ولی بنظر بنده قضیه بسیار مهمی است و در نتیجه هر امضیکه بنده اینجا خواهم کرد و امیدوارم که آقایان مدیران جراید و ادبای قلم در این خصوص کمک فکری بکنند که ما بتوانیم یک راه‌هایی را پیدا کنیم که با قانون اساسی وفق بدهد و بصلاح و صواب مملکت هم باشد اینرا برای مدت فترت عمل کنیم اولاً بنده فکر کردم که آیا ممکن است که اصلاً فترتی بوجود نیاید، هر چه فکر کردم دیدم غیر ممکن است. دو اشکال در مملکت بنظر بنده رسید یکی این بود که بنظر بنده اهالی مملکت ایران انتظار دارند که انتخابات دوره پانزدهم را با یک قانون جدید انتخابات شروع کنیم و با این قانون قدیم زیاد موافقت ندارند و درخواستهای متوالی چه مجلس شورای ملی و چه با آقایان نمایندگان رسیده است و درخواست تجدید نظر در این قانون را کرده‌اند. این قانون هم لایحه‌اش از کمیسیون تجدید نظر مجلس تقدیم شده و جزء دستور هم هست بنده چند بار تقاضا کردم که اجازه بدهند شورا اول این قانون مطرح بشود و نظر نمایندگان نسبت به تجدید نظر در قانون انتخابات معلوم شود در شورا اول زای هم که نمیگیرند باز هر پیشنهادی هست هر مطلبی هست بر میگردد دوباره بکمیسیون دولت هم هر نظری که دارد میآید در آن که بسوزن اظهار میکند و این مطلب را بنده مخصوصاً در موقعی که آقای حکیم الملک داشتند کابینه شان را تشکیل میدادند یک هفته هم وقت بود کاری هم

نداشتیم التماس کردم استدعا کردم ولی مثل بسیاری از مطالبی که عرض کردم و توجه نشد اینهم مثل آنها توجیهی بهش نشد در هر صورت حالا هر قدر هم ما در این کار سریع اقدام کنیم و همین تجدید نظر قانون انتخابات را جزء دستور بگذاریم تصور نمیکند که زودتر از آخر بهمن حاضر بشود چون بایست طبق و توجیه شود البته با بدهای مملکت مسوق بشوند که باچه قانونی سرکار خواهند داشت این یکی از مللی است که بنده تصور میکنم حتماً این فترت را بوجود خواهد آورد یکی هم این قانونی است که اسمش را گذاشته‌اند قانون تجریم انتخابات و بنظر بنده اسم درست برای آن نگذاشته‌اند برای اینکه ما نگفتم که محروم باشیم از انتخابات ما گفتم هر وقت خانه ما از اغیار خالی شد انتخابات را شروع میکنیم و اینهم حرف مشروعی بود که بعقیده بنده در همه جای دنیا هم قابل قبول است (فرهودی - اسم آن قانون اناطه انتخابات باید باشد) (پرورین گنابادی - اسمش را مبطل مشروطیت بگذارید) بالاخره اسمش قانون تجریم انتخابات گذاشته شده و بنظر بنده بی انصافی است من خودم از اشخاصی بودم که باین قانون رای دادم و آنروز هم که رای دادم و حالا هم که این عرض را میکنم روی این عقیده رای دادم که بعد از یک دوره دیکتاتوری که انتخابات دستوری بود باید مادرم مملکت یک انتخابات آزادی را شروع بکنیم انتخابات آزاد لازم است این است که امنیتی در مملکت ایجاد شود و لازماً امنیت مملکت هم ایست که دست دولت باز باشد آقایان توجه دارند که دیروز سر انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی در فردین بکنند کشتند و دو نفر را هم مجروح کردند (تهرانچی - تلگراف هم کرده‌اند) بنده هم دیدم آن تلگراف را اگر دست دولت باز باشد که امنیت را بر قرار کند اصلاً انتخابات آزاد میسر نیست برای اینکه آزادی انتخابات وقتی میسر است که عقاید و افکار مختلف با هم تماس پیدا کنند و اصطکاک پیدا کند و هر کس هر نظری دارد عقاید خودش را بگوید و هر کس توانست عقیده خودش را بیش ببرد اکثریت بدست بیاورد و این کار فقط در سایه امنیت انجام میشود بنا بر این نتیجه فکر من این بوده که ممکن نیست مافترتی نداشته باشیم بعد بنده فکر کردم که این فترت چه مدت خواهد بود در این مدت هم مطالعه کردم بنظر من زودتر از خرداد ۱۳۲۵ نمیشود که مجلس دوره پانزدهم افتتاح شود پس حد اقل سه ماه دوره فترت خواهیم داشت حالا به بینیم که در ظرف این سه ماه چه کار ما باید بکنیم نظرهای مختلفی در این خصوص اظهار شده بنده شخصاً متقدمم اینک احترام میگذازم بمقام سلطنت ولی صلاح نیست که در آن موقع شخص پادشاه با چند نفر وزیرش در یک چنین موقع خطری عهده دار مسئولیت امور مملکت باشند باید بشقیبانی داشته باشند و اگر یک وضعیت عادی بود چندان اشکالی نداشت ما خیلی دوره فترت دیدیم بنده خودم در دوره عمر خودم در مملکت فترت چند ماهه پنجاهه ششماه یکساله بلکه چند ساله دیدم ولی حالا بنظر بنده صلاح نیست دلش هم همین کمیسیون سه جانبه بود که بان آقایان بقدر اعتراض میکنند که ما آن بیانیه را که نوشتیم و امضاء کردیم و جناب آقای دکتر مصدق هم امضاء فرمودند و

بدولت تذکر دادیم باعث شد که دولت نظریه مارا قبول کند ولی اگر یک پشتیبانی نباشد برای دولت ممکن است قضایای بیش بیاید که برای دولت گران تمام بشود یک نظر دیگری هم برای موقع فترت بوجود آمده بود که گفتند که مجلس شورای ملی یک هیئتی مرکب از بیست و پنج نفر معین کند که این هیئت در موقع فترت پشتیبان دولت باشند بنظر بنده این قضیه هم به چه صلاح نیست چون این قضیه در مجلس گفته شد دو نفر از آقایان نمایندگان در این باب صحبت کردند آقای طوسی پیشنهاد دادند و آقای آصف نماینده کردستان هم در این زمینه مذاکراتی فرمودند من این را بذهن سپردم بنظر من این هم صلاح نیست چرا؟ ما اهل این مملکت هستیم نوری این شهر هستیم گله و شکایت مردم از این چراغ برق مجلس یا فرش مجلس نیست گله از تصویبات مجلس است تصویبات مجلس هم مال اکثریت مجلس است کی آنرا آن بیست و پنج نفر را معین خواهد کرد هم آن اکثریتی که مردم اظهار نظر خوبی نسبت به آن نمیکند نتیجه اش این میشود که مجلس فعلی اختیارات خودش را بیک عده محدودتری واگذار کرده که نماینده مستقیم همان اکثریت خواهند بود در مقابل هم یک اقلیتی نیست که در یک موقعی بتواند فریاد بکند بنا بر این بنظر بنده صلاح نیست، یک راه دیگری نماینده محترم گمان میکنم آقای مهندس فریور بودند که فرمودند چون در قانون اساسی یک ماده راجع به کلای شهر تهران دارد ما میتوانیم از این اصل قانون اساسی استفاده کنیم که چون قشون خارجی هم در تهران نیست این کلای تهران بایست انتخاب بشوند باین انتخاب مردم در موقع فترت کار کنند (صفوی - کلای تهران بر سایر بلاد امتیازی ندارند) اجازه بدهید بنظر بنده این هم به چه صلاح نیست من چون این قضیه را تماماً مطالعه کرده‌ام به چه چه صلاح نیست چون یک موقع باریکی است ما نمیتوانیم اصل امر کز و ولایات را از هم تفکیک کنیم (هاشمی - صحیح است) چون اهالی تهران به چه چه نمیتوانند (مهندس فریور - پیشنهاد من این بود) پیشنهاد من این بود که بسیار خوب این فکر در هر صورت بود حالا به بینیم چه راه دیگری بنظر میرسد بنده مطالعه کردم این قسمت را در ابتدا خواستم این مطلب را بگیرم و حالا هم عرض میکنم که هر چه در اینجا عرض میکنم نظر شخصی خود بنده است در مجلس نظر هر شخصی قابل بحث است و قابل انتقاد مجلس شورای ملی هم برای همین است ما آمده‌ایم فکری بکنیم بنده فکر میکنم که اگر مادر قانون اساسی تمسید دوره ای را مخالفش را پیدا کنیم یعنی به بینیم در قانون اساسی یک اصلی که منع بکند که دوره‌ای را بشود تمسید کرد و یک اصلی باشد که اجازه بدهد که تمسید بکنند دوره‌ای را گمان میکنم که این مشکل حل شده باشد (شهاب فردوسی - این را قانون اساسی اجازه نمیدهد) اجازه بفرمائید اگر عرض نکرده‌ام آنوقت اعتراض بکنید بکندری تأمل بفرمائید (شهاب فردوسی - در قانون اساسی هم چو اجازه‌ای داده نشده) این قضیه بسیار مهمی است اگر اجازه نمیدهد عرض نمیکند (نمایندگان - بفرمائید آقا) در اصل پنجم واصل پنجاهم قانون اساسی بطور صریح معین کرده است که دوره مجلس شورای ملی دو سال است یک عبارت فارسی است و ابداً قابل تمسیر و تفسیر نیست و در آن تفسیری هم نمیشود داد و اگر تنها

این اصل قانون اساسی در قانون اساسی بود که دوره دو سال است و یک موادی هم نبود که با این اصل تناقض داشته باشد بنده عرضی نمیکردم ولی در این قانون اساسی یک اصل دیگری هست اصل هفتم متمم قانون اساسی که میگوید اساس مشروطیت جزاً و کلاً تعطیل بردار نیست یعنی اگر یک فردی ماژور و یک حوادث غیر مترقبه‌ای پیش آمد اساس مشروطیت نباید تعطیل بشود چیزیکه خیلی روشن است و فارسی صاف است که آنان میخوانم اصل چهارم متمم قانون اساسی است در اصل چهارم متمم قانون اساسی بطور صریح پیش بینی شده است که اگر بجهاتی مجلس شورای دوره اش منقضی شد و کلای دوره بدهم انتخاب نشده بودند و کلای سابق باید انجام وظیفه بکنند اگر این اصل را بنده برای آقایان خواندم و روشن شد قبول خواهند فرمود و قضیه حل شده است اصل چهارم و دو متمم قانون اساسی اجازه بفرمائید بنده تا آخر بخوانم بعد توضیح می‌دهم. در هر گاه دوره و کلات و کلای هر دو بایستی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد و کلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند و کلای سابق حاضر در مجلسین منقضی بشود.

**یکی از نمایندگان -** چه ارتباطی با این اوضاع دارد.

**شهاب فردوسی -** این تفسیرها را در قانون اساسی کردید که کار باینجا رسید.

**اردلان -** شما نمیخواهید من حرف بزنم.

**شهاب فردوسی -** حرف از شما که این افکار را تمسید میکنید.

**فداکار -** خوب بود در مورد رضاشاه این حرف را زده بودید.

**اردلان -** بنده اولاً خیلی متأسفم که اینجا موضوع رحلت پادشاه مطرح است البته این قضیه را بسیار بدلتنا گوار میگیرم از این موضوع میگذرم (خنده نمایندگان) ولی در قانون اساسی یک موضوع را پیش بینی میکنند پیش بینی میکنند که اگر باین دلیل که بنده عرض کردم دوره‌ای منقضی شود پادشاه وقت نبود که فرمان انتخابات را صادر کند و انتخابات در مملکت انجام بشود و کلای دوره بفرمایند کلای دوره سابق میتوانند انجام وظیفه نمایند (پرور رضا - قیاس مع الفارق است) عرض کردم یک قضیه ایست که قابل بحث است من نگفتم که شما قبول بکنید (پرور رضا - پیشنهادش را هم نکنید) اجازه بدهید بنا بر این وقتیکه در سر تاسر قانون اساسی یک اصلی نیست که منع کرده باشد تمسید یک دوره ای را و در صورتیکه در قانون اساسی حق داده باشد که و کلای سابق میتوانند انجام وظیفه کنند (پرورین گنابادی - از آن قانون اساسی صریح میفرمائید که از این که وارد در دستور شویم پیشنهاد خوانده میشود، پیشنهاد میکنم که بعد از بیانات آقای اردلان وارد دستور شویم

هشتم پس بنا بر این همین مجلس ناقص وجودش بهتر از عدمش است شما فکر کنید که مجلس نداشته باشد انتخابات دوره پانزدهم هم تمام نشده باشد آیا صلاح است که با این وضع مملکت ما مملکت را به منظور نگاهداریم و با این وضعیت دشوار مملکت کسی نباشد که پشتیبان دولت باشد (امینی - اگر الان مجلس نبود این کمیسیون سه نفری را تصویب میکردند) الان تأیید عرض بنده را آقای امینی فرمودند بنده خودم هم عرض کردم اگر همین چند روز پیش آقای دکتر مصدق این کافله را نیابورده بودند من و چند نفر دیگر امضاء نکرده بودیم این چیز سه گانه رد نمیشد. همین مجلس ناقص که شما بار اعتراض دارید یک همچو قدرتی بخرج داد و نگذاشت (فداکار - نایبند) باز هم اگر شما میگویند که این راه غلط است من قبول دارم که یک راه بهتری نشان بدهید (هاشمی - انتخابات را شروع کنید) بنظر بنده صلاح نیست و حالا میخوانم از عرض خود نتیجه بگیرم چون آقای مهندس فریور فرمودند بیش از پانزده دقیقه طول نکشد (مهندس فریور - بفرمائید بیست و پنج دقیقه طول کشید) (حاذقی - خیر طول نکشد) بفرمودم خانه میدهم آن این است که بالاخره باید خواهی نخواهی این مطلب را در مجلس بیاوریم و مطرح بکنیم غیر از این راهی برای اینکار تصور نیست. بنده این را بصورت یک طرحی تهیه کرده‌ام من نمیگویم آقایان باین طرح موافق باشند و این طرح من تصویب بشود ابداً ولی همینقدر که شما این را امضاء کرده‌اید و تا این را جزء دستور بگذاریم و درش بحث بکنیم من نظرم این است، شما نظرتان اینست، بحث میکنیم (فداکار مخالف قانون اساسی است) (شهاب فردوسی - خواهش میکنم شما این طرح را نقد بکنید) اجازه بفرمائید بنده از اشخاصی هستم که اگر دلیل منطقی هر کدام از آقایان بگویند من سر تسلیم فرور میآورم (فداکار - اینجا جای نطق نیست؟ رای اکثریت است که رای میدهم) من اطاعت میکنم و قبول میکنم که منطقی قوی در این قسمت حکومت کند اگر منطقی قوی دارد بفرمائید نمیشود که مملکت را به هر چه و هر چه انداخت (فداکار رعایت قانون اساسی را کرد) بنده خودم میدانم که این موضوعی است که ممکن است اصطکاک عقیده و افکار در این قسمت پیدا شود ولی راهی جز این نداشت که مادر مجلس این را مطرح کنیم و بیاییم باهم بشنیم در مجلس این را بحث بکنیم (صحیح است) حالا با باید دولت یک لایحه‌ای به مجلس بیاورد و بسا خودمان یک طرحی را تهیه کنیم دولت که لایحه بیاورد است، من این طرح را تهیه کرده‌ام اگر آقایان موافقت نمایند قبول می‌کنند جزء دستور میگذازند دو جلسه صحبت می‌کنیم هر منطقی که صحیح بود آنرا قبول میکنیم

**نایب رئیس -** آقای روحی پیشنهاد کرده‌اند که وارد در دستور شویم پیشنهاد خوانده میشود، پیشنهاد میکنم که بعد از بیانات آقای اردلان وارد دستور شویم

**امینی -** بنده مخالفم

**یک نفر از نمایندگان -** عده برای رای کافی نیست

**نایب رئیس -** آقای روحی

**روحی** - عرض میکنم این جلسه آقا بیول ملت اداره میشود حساب کنید چقدر خرج میشود و اینجا مبدل شده است به مجلس سخن رانی و کنفرانس میدهند این معقول نیست هر روز از آقا تا انجام نطق قبل از دستور اینهمه بیاناتی که خواند انسان باید آنها را مثل در ضبط بکند دولت اینجا حاضر است آقا بگذارد کار بکنند کارهای مهمی در این مملکت هست شما میخواهید صحبت کنید و بکنید که این دولت کار خودش را بکند اگر میخواهید صحبت کنید در روزنامهها مشر کنید (فداکار - حکومت نظامی اجازه نمیدهد) مجلس جای این مطالب نیست جای خدمت بجای است بنده باین وضع مخالفم و اجازه میخواهم وارد دستور بشوم

**نایب رئیس** - آقای امینی

**امینی** - بنده با ورود در دستور مخالفم آقایان توجه بفرمائید اول مطالبی که اینجا ذکر شد کنفرانس نبود و بسیار مطالب مفیدی بود (صحیح است) ثانیاً دولتی که اکثریت ندارد در مجلس (جمعی از نمایندگان - باهمه اینطور نیست) اجازه بفرمائید آقا دولتی که در مجلس اکثریت ندارد ولو اجتناب نخواهد گذشت نباید اول تکلیف خودش را روشن کند بنده این دولت را دارای اکثریت نمیدانم و هر لایحه ای که این دولت بخواهد بگذراند باشکال برمیخورد و خواهد گذشت (فیروز آبادی - آقا صلاح نیست دولت برود) اگر اینجا نطق قبل از دستور بشود تراست تا اینکه دولت بخواهد ولو اجتناب را بیاورد روزها بحث بشود و بالاخره تکذکر

**روحی** - بنده مسترد میکنم

**نایب رئیس** - آقای مهندس فریور

**مهندس فریور** - نوبت بنده است؟

**نایب رئیس** - بفرمائید

**مهندس فریور** - عرض کنم که مدتی قبل یعنی چند روز قبل از انقضاء کنفرانس وزرای امور خارجه در مسکو بنده يك روز آمدم اینجا و برای پیش بینی نسبت باین مسئله که تصمیمی در غیاب ملت ایران در غیاب نماینده ملت ایران راجع بایران گرفته نشود که مستلزم مضاری برای کشور ایران باشد عرایض کردم و چون مطلب مسبق بیک سوایقی بود اینجا عرض کردم که نماینده بکنفرانس نمایندگان مسبق بفرمائید مسبق با مسبق هر دو هست (طباطبائی - از باب تفهیم ندارد) بسیار خوب مسبق باشد من اینجا عرض کردم که نماینده هائی که فعلاً از زبان بیکانگان شنیده میشود از قبیل عدم ایقاع هیئت حا که ایران ، به حساب ملت ایران گذاشته بشود و برای ملت ایران خدای نکرده تصمیمی گرفته بشود برخلاف منافع او (صحیح است) آنروز جناب آقای هژیر روزی پردارائی برخاستند در جواب من و بدو آن تشریف هیت ما که برابر ای بنده کردند که مراد از هیئت ما که مجلس است و دولت مجبوراً بنده هم در این تشریف دیدی نداشته و فرمودند که هیئت ما که برای استلاء ملت ایران کار کرده است این نظر هم تاچه اندازه صحیح است اینده نتیجه اش چیست و باید به نتیجه مراجعه کرد نتیجه هر روز و هر ساعت در مقابل چشممان مهود است ، آن وضع مملکت است آن وضع ملت بنا بر این بنده زیاد راجع باین موضوع لازم نیست دلیل و برهان تهیه کنم و

ضمناً چون من اظهار نگرانی کرده بودم که مبادا تصمیمی گرفته بشود که بضرر ملت ایران باشد ایشان از ذکر این نقطه خیلی اظهار نگرانی کردند که بنده مختصراً بعد از نطق ایشان عرض کردم که من آقا از خود مرض میترسم نه از اسم مرض ، اسم مرض بردن و احتیاطات لازم را کردن برای این مرض مستولی نشود یعنی ندارد نباید فطنت کرد و نباید با سربازان را فغانگیر کرد که بگم تبه آدم بیلی بشود خوشبختانه در کنفرانس مسکو بعد از خاتمه اش معلوم شد که نظر بنده من توفیق سه دولت تصمیمی راجع بایران گرفته نشد بنده اینهمه عرض میکنم خوشبختانه نه برای این است که من متقدم هر وقت تصمیمی در قبال نمایندگان حقیقی ملت ایران در بین بیکانگانی که در سرزمین ایران منافی دارند گرفته شود و موافقت حاصل بکنند علی الاطلاق (نهر انچی - بر ضرر ما است) چیزی که کمتر مورد توجه آنها قرار خواهد گرفت . فع ما است (صحیح است - صحیح است) آن . فرانس خاتمه پیدا کرد ، چند روزی گذشت زبان رادیو های بیگانه اخباری منتشر شد مردم رجوع می کردند که ناسلامتی تو و کیلی بگو ببینم این کنفرانس ، این کمیسیون سه دولت راجع بایران چیست ؟ اطلاع رسمی مطلقاً ما نداشتم کم و بیش سر و صداها زیاد شد تا بالاخره بهمت چند نفر از آقایان نمایندگان قرار شد ملاقاتی بشود از آقای حکیم الملک در وزارت امور خارجه و معلوم بشود اصلاً موضوع چیست ؟ روز دوشنبه عصر یکمدهای بر حسب دعوت آقای رئیس مجلس بوزارت خارجه رفتند (اردلان - یکمده معینی) . . . بلی عده معینی ، یکمده ای را دعوت کرده بودند بنده که آنرا بحث نمیکند (اردلان - بنده دعوت نداشتم) (فاطمی - چیز بدی که نگفتند) (اردلان - آخر ما هم وکیل هستیم) (زنک نایب رئیس) وقتی که رفتیم آنجا خواستیم این موضوع قضیه را بفهمیم که چی هست و آقایانیکه تشریف داشتند اغلبشان حاضرند دولت یعنی آقای حکیم الملک و آقای وزیر امور خارجه يك ورقه همین طوری که دیروز جناب آقای دکتر مصدق فرمودند بدون امضاء ، فارسی و انگلیسی آوردند ارائه دادند و در بدو امر هر قدر اصرار شد از طرف نمایندگان حاضر که نظر خودتان را هم اضافه بکنند گفتند که ما نظر خودمان را بعد از نظر نمایندگان خواهیم گفت ، حتی خوب یاد میآید که آقای ملک مدتی نایب رئیس محترم مجلس خیلی تند کردند که دولت قوه مجریه است دولت باید نظرش را بگو بدو بعد از اظهار نظر بکنیم ولی مطلقاً اظهار نظر نکردند و مو کول کردند بنظر مشورتی نمایندگان حاضر و البته ابتدای امر آقای وزیر امور خارجه خیلی گله کردند از اینکه در این مملکت ما هیچ مطلبی مخفی نمیماند من مطالبی را که در کمیسیون خارجه صحبت کردم بعد در روزنامهها منعکس شده است و از این قبیل بنده عرض کردم آقا مسائلی که منمکس شده است در روزنامهها بیشتر از رادیوها بوده است و این موجب کمال بدبختی است که ملت ایران در جهل و نادانی و عدم اطلاع از وقایع باید بماند و منتظر شنیدن خبر از رادیو های بیگانه باشد (صحیح است) و در این صورت شما که وزیر امور خارجه هستید انتظار نداشته باشید که اخبار را آنطوریکه هست ملت مطلع بشود چرا ؟ برای اینکه هر رادیویی هر خبری را مطابق مذاق و سلیقه شخصی خودش منتشر میکند و اشخاصی هم که

رادیو را میشنوند با اوقات آن مطالب را مطابق سلیقه شخصی خودشان ترجمه و تعبیر و تفسیر میکنند یکی میشنود به آقا میگویی به آقا میگویی يك چیزی تویش درمآید که معلوم نیست تاچه اندازه صحیح است هر صورت تا آن تاریخ شخص بنده و خیال بکنم اغلب نمایندگان که آنجا تشریف داشتند تصور میکردند که این موضوع مربوط است به يك کمیسیونی که باید بایران برآید رسیدگی بعضی وقایعی که اخیراً اتفاق افتاده است يك رسیدگی يك کسب اطلاعاتی برای تهیه گزارش بکنند ولی بعد از اینکه آن یاد داشت خوانده شد (آن ورده در اصطلاح سیاسی که بایادداشت بمعنای اخص اشتباه نشود) آن ورده بعد از اینکه خوانده شد معلوم شد این ورده مشتعل بر موادی است ۱۱ ماده است که رویه گرفته همانطوریکه دیروز جناب آقای دکتر مصدق عرض بفرموده رسانیته صدر حتمت بقرارداد وثوق الدوله دوسه ماده اش البته من عین مواد را چون ندارم عین عبارت را (و در مسائل سیاسی هم عبارات و جملات و کلمات معانی خاصی دارند) نمیخواهم تکرار بکنم ولی مفاد دوسه تارا دیروز جناب آقای دکتر مصدق بفرمودند رسانند که بکیش این بود راجع بوظایف انجمن های معالی آن کمیسیون راجع بوظایف انجمن ها راجع باجرای قوانین مشروطیت در ایران راجع بطرز تهیه و تدارکات وجوه توصیه هائی خواهد کرد یعنی تمام امور مملکت (شریعت زاده - برای انجمن ها) یکی دیگر استعمال زبان ، استعمال زبانهای بعضی اقلیتها از قبیل کردی و عربی و ترکی را بمنظور های فرهنگی تعلیماتی و منظورهای دیگر توصیه خواهد نمود (تیمور تاش - و غیره) بلی از قبیل بالاخره ماده آخرش است یا ما قبل آخرش که میگویی نمایندگان سه دولت (حاذقی - ماده هشتم) بلی ماده هشتم نمایندگان سه دولت دولت ایران را متقاعد میسازند که توصیه های مزبور را بصورت قانونی در آورد این مواد آقا خیلی قابل دقت است خیلی قابل توجه است (صحیح است) (تیمور تاش - بقدری واضح است که قابل دقت نیست) (صادقی - باید در ک قابل دقت نیست) بلی حالا میرسم بآنجا یعنی يك سه نری بیاوند اینجا يك توصیه هائی بکنند و آن توصیه ها هم بصورت قانونی در بیاوند خوشبختانه در نتیجه مذاکرات مفصلی که آن شب شد همه بالاتفاق برد این ورده با این پیشنهاد رای دادند یعنی بدولت توصیه کردند (صحیح است) و خود آقای حکیم الملک هم در آخر کار فرمودند من هم مخالفم و می بینم مسائلی هست که من هم مخالفم (بعضی از نمایندگان - همه مخالفند) از جمله بحث هائی که آن شب شد بنده عرض کردم که چون این مطلب پیش آمده بود که آیا سه دولت متفقاً این پیشنهاد را داده بودند یا دو دولت از طرف سه دولت و دیروز هم اینجا جناب آقای دکتر فرمودند بنده یعنی که آن شب کردم این بود که اگر این سه دولت متفقاً این پیشنهاد را داده باشند بضرر ما است و اگر دولت از طرف سه دولت باشد از طرف سه تا باز بضرر ما است ، هر سه صورت هر سه شق مسئله را باید مطالعه بکنیم در هر سه صورت بضرر ما است و دیگر رد کردنش مطالبی ندارد برای اینکه مطابق همان اصلی که در اول عرض کردم اگر سه دولت متفق شده باشند بر این امر کار ما ساخته است اگر اختلاف باشد

باشد وضع فعلی تشدید میشود یعنی موافقت نکنند روی این امر بهر صورت بعد از آن جلسه و بعد از بیانات جناب آقای دکتر مصدق بنده لازم نیست توضیح زیادی در اطراف این مسئله بدهم ولی يك نکته است که بنده اینجا خواستم توجه بدهم و بیشتر خطایم بآزادخواهان این مملکت است باشخصی است که ابدآل و کمال مطلوبشان رفاه و سعادت ملت ایران است و آن این است که خوب در نظر بگیرند آقایان تشابه وضع موجود امروز را با وضع ایران بعد از جنگ بین المللی اول (صحیح است) (پوررضا - چه دوره بود؟) ۱۹۱۹ همان وقتیکه قرار داد وثوق الدوله را برای ما آوردند (اردلان - آقای مهندس فریور اگر ما المان اعلان جنگ نداده بودیم وضعمان بهتر از این بود) (تیمور تاش - با المان اعلان جنگ دادیم) صحیح است نظایر همان قرار دادها ، من با از جناب آقای وزیر معذرت میخواهم که دارد تخصصی ایشان شدم و دارم در تاریخ صحبت میکنم ولی اشکالی ندارد نظایر همان قرار دادها نظایر همان اوضاع و احوال همان فترت هارا دارند برای ما درست میکنند (صحیح است) بدخترانه همیشه دام بکنرنگ نیست اگر همیشه دام يك رنگ بخصوصی داشت مرغ تویش نمیتواند نوعش عوض میشود ظاهرش عوض میشود من متصدم از تمام این تصدیق این بود که آزادخواهان ایران را متوجه رنگ های مختلف دام هائی که هر روز در راه مصالح و منافع ایران گسترده میشود بکنم بدون اینکه باکی از همه بعضی عناصر معلوم داشته باشم همان عناصری که آن روز از قرارداد وثوق الدوله حمایت میکردند امروز کم و بیش با همین طرح اظهار موافقت میکنند و مردم میخواهند اینطور بفرمانند که این کمیسیون فقط برای رسیدگی است برای نظارت است بنا بر این من خواستم دو مرتبه تذکیر کرده باشم روی بعضی از مواد این پیشنهاد که ملت ایران بدانند این پیشنهاد چه پیشنهاد خانمان بر اندازی است برای ملت ایران (صحیح است) این صحبت نظارت نیست صحبت کمیسیون اطلاع نیست (صحیح است) بفرموده محبت نکنند مردم افاء شبهه نکنند اگر چه مردم کم و بیش میدانند که کی چکاره است

**نمایندگان** - صحیح است - احسن

**۳ - اظهارات آقای وزیر دارائی**

**نایب رئیس** - آقای وزیر دارائی نظری دارید بفرمائید .

**وزیر دارائی (آقای هژیر)** - بنده تصدیق زیادی ندارم فقط خواستم در این مطالبی که فرمودند چون اشاره به بنده فرمودند فقط خواستم توضیحی عرض کنم و آن این بود که بنده دو باره میخواهم وارد یعنی که آن روز مطرح شده بود بشوم البته هر وقت فرصت داشته باشم حاضر در خارج بنشینم و توضیح بدهم که مقصود بنده از عرایض آن روز چه بود و خلاصه عرض بنده این است که مملکت ایران یکوقت بصورت واحدی با مال و دول خارجه دربر میخورد یکوقت در داخله خودش وظیفه که هر دولتی در مقابل خارجی ها دارد آن وظیفه عبارت از حفظ مصالح و منافع مملکت و دولت ایران است قطع نظر از اینکه از چه حزبی است از چه دسته ای است (صحیح است) از چه مسلکی است چه مذهبی وارد اینها امینی ندارد بنده میخواهم عرض کنم

هر مملکتی هر دولتی این اختصاص با ندارد بفریاز مملکت ما ممالک دیگری هم مستند مالک دمو کراسی هستند و فنی اعتباراتشان عوض میشود يك حزبی میرود و حزب دیگری میآید و با وجود اینکه حزبان مرامشان مسلکشان مختلف است از لحاظ مصالح عمومی و سیاسی خارجی مملکت مطابق همین همان رویه که آن دولت وطن پرست گذشته داشت این دولت هم دوام میدهد (صحیح است) دولت ایران هم البته باید اینطور باشد (مهندس فریور - بله باید باشد) این بود خلاصه نظریات بنده در آنروز و یعنی هم در این باب با جنابالی و هیچکس نداریم اما راجع باین مطالب هم که فرمودید بنده اینطور خاطر میآید جنابالی هم آنروز فرمودید که باید این دول سه گانه و بخصوص خاطر میآید که تا کید فرمودید دولت امریکا باید بدانند که هر تصمیمی که آنجا بگیرند بایستی با اطلاع مملکت و ملت و دولت ایران باشد (صحیح است) بنده باز بنام میآید در جوابی که جنابالی دادم اینرا گفتم که ما هم جز این نظری نداریم دولت هم جز این نظر ندارد که هر تصمیمی که در آنجا گرفته شود باید با موافقت دولت ایران باشد (صحیح است) (جمعی از نمایندگان - ملت ایران) ملت ایران ، هر حال عرض میکنم که در اینهم هیچ اختلاف نظری نه آن روز و نه حالا نداریم و از اینهم که در کنفرانس مسکو هیچگونه تصمیمی گرفته نشده است و احاله شده است که هر تصمیمی که بنا است گرفته شود بایستی با موافقت دولت ایران باشد البته هم دولت ایران متشکر است که هیچ تصمیمی نرفته اند و هم مجلس شورای ملی و هر چه هست باید با موافقت و رضایت فقط ما باشد (فداکار - موافقت مجلس بفرمائید) نه در کنفرانس مسکو در تمام کنفرانسها و در تمام اوضاع در این قضیه اصلاً اختلافی نیست ، اما راجع باین تذکاره که فرمودید اینهم هر چه آقایان نمایندگان لازم بدانند نظرشان را در تذکاره و تشدید این نکته که این تذکاره و هر تذکاره دیگری و هر یادداشت دیگری در تقاضای دیگری که مغل مصالح و منافع مملکت ایران باشد دولت و ملت و مجلس شورای ملی آنرا شناسند و نخواهند شناخت این بجای است و بهر دو است هر چه لازم بدانید (صحیح است) چندین جلسه مکرر صبح و عصر تشکیل بدهند آقایان فردریشان این نظریات را اعلام بفرمائید که این اسباب تقویت روح ملیت است اسباب تقویت روح ملیت است که سر کار باشد و هر چه بخواهند این نظریات را ادامه بدهند هر چه تکرار بفرمائید جایز است و ما آماده هستیم برای شنیدن فرمایشات شما اینرا هم مطمئن باشید که از روز اولی هم که رسید دولت پذیرفت و قبول نکرد (صحیح است) منتهی بمرحله ای رسیدیم بود که میگفتند قبل از اینکه با اصطلاح اسباب تصدیق خاطر آقایان نمایندگان بشویم خودمان درست حلاجی بکنیم زیرا در روی کار را بدانیم که چیست اگر قسطی میگردیم و مطلب بکلی تمام میشود خوب شاید بشکل گزارش بمرض آقایان میرسد (پوررضا - چرا منتشر نکردید آقای هژیر) عرض کنم آقایان خودشان تصدیق بفرمائید که اکثریت مطالبی در رادیوهای خارجه گفته میشود دولت ایران اساساً مداخله در آن رادیوها ندارد که چرا گفتند و چرا میکنند اصل مطلب این بود که يك چیزی را بدولت رجوع کرده بودند دولت هم باید خوب متوجه باشد و بدانند که چرا نمیتواند قبول بکند و یا اگر نظر دیگری هم دارد بمرض مجلس شورای ملی برساند

آقایان نمایندگان فرمودند ما میخواهم مستحضر بشویم دولت هم البته استمه کرده بود آقایان تشریف بردند آنجا (یعنی عده ای از آقایان حاضر) هم دولت هم آقایان نظرشان این بود که قابل قبول نیست ، وهم در آن جلسه دولت نظرش این بود که قابل قبول نیست و هم قبل از آن جلسه همین نظرش را داشت که قابل قبول نیست باین جهت باین جهت عرض کردم که اصل مطلب بین دولت و مجلس فرقی نه این بود که پیشنهاداتی که شده بود نه دولت قابل قبول مهندست نه مجلس (مهندس فریور - فلا در چه مرحله است ؟) هیچ آثار نشده است .

**۴ - نطق قبول از دستور آقای صفوی**  
**نایب رئیس** - آقای صفوی

**صفوی** - دیروز در ضمن بیاناتی که چندین بار از آقایان کردند و به منظور در جلسات گذشته راجع با اعتراض بدولت که بیکهزار و دویست تن فداکارانه داده است به تجار جنوب وارد بکنند و بضرر کشور بوده است بنده اجازه خواستم ولی متأسفانه دیروز نوبت بنده نرسید و امروز اول جلسه اجازه خواسته بودم که رفع این سوء تفاهم را بکنم چون از چند جلسه باین طرف مذاکره این است که هزار دو دویست تن فداکارانه دولت اجازه داده است به تجار جنوب که وارد کنند و کپیته خاور میانه این ۱۲۰۰ تن راجع سهیمه دولت ایران حساب کرده و بجای اینکه هر کیلویی ۱۹ ریال جزء سهیمه بپردازند کیلویی شش تومان در بازار آزاد بفرشند و از این راه میلیون ها بتجار جنوب و محترمین نفع میرسد متأسفانه این همان مثل حسن و حسین و دختران مبارزه شده است من اینرا برای توضیح و اینکه چندین ماه است این موضوع مطرح است میخواهم بمرض مجلس شورای ملی برسانم و ز آقایان رفع سوء تفاهم بکنم اولاً قند نیست شکر است ثانیاً بتجار جنوب اجازه نداده اند بلکه بيك عده زیادی از بیله و رها کمی جزه ، اشخاصی که شاید همین پنج گونی و ده گونی ده گونی شکر سرمایه شان است اینها از بیست ماه باین طرف زمانی که هنوز مستشاران امریکا در خدمت وزارت دارائی بودند این شکر را در مقابل تویض اجناس ... (نمایندگان اکثریت نیست) (اردلان - بفرمائید بیاوند) بنده از آنهایی هستم که هر روز تا آخر جلسه می نشینم و بدون نپروم

**نایب رئیس** - اکثریت شد بفرمائید

**صفوی** - عرض کنم که این شکرها را بیله و رها اشخاصی که ، در میکه با کمال زحمت با کمال رنج با کمال مشقت ، آجانبیکه آب شیرین پیدا نمیشود از چاهها با کمال زحمت آب در میآورند و بمعنی حقیقی رنجبر و زارع آنها هستند آنها رزاعت می کنند سبزی بدست می آورند و سبب زمین بدست میآورند آنوقت جنسشان را با اطلاع شورای شهرستان یعنی شورای شهرستان مطرح میکنند آنچه برای آذوقه محل مورد احتیاج است بهشان اجازه صدور نمیدهند و بقیه را که اضافه است و زیادی دارند و بایستی آن يك لقمه نان یا زردی بچه شان بخورند آنها را اجازه میدهند که با بام ببرند بنادر با بامهای دستی با کمال زحمت با طوفان با غرق شدن با از بین رفتن در مقابل جانشان حقیقه ، آنوقت چند تا گونی سبب زمینی میبرند و در مقابل از سهیمه آنها پنج تا گونی شکر میآورند ما در بنادر بوشهر اشخاصی

را داریم که پنج گونی ۱۰ گونی بیست گونی . خدا کثرت فساد گونی شکر دارند و بیست مایه قبل آنها را وارد کرده اند و بواله قسم که تمام ثروت و سرمایه شان همین ده دوازده گونی شکر بوده که با بلم آورده اند و برای اینکه صحت عمل نشان بدهند آورده اند در گمرک . سابقاً هم که دکتر میلسو روی کار بود آئین نامه صادر میگرد و اجازه میداد که آنها را شیر از سهمیه بآنها بدهند . برای اینکه بآنها شکر نیندند آقا باینکه نایبند و ولایات هستند اطلاع دارند که سهمیه را در ولایات نیندند ( صحیح است شکر که قاتی نان مردم است و بآن یک استکان چای میخورند و چای که قاتی قاتی نان مردم است بآنها نیندند . در طهران شکر میدهند ولی بواله قسم که الان چهار ماه است که بیوشهر و بازر یک کیلو شکر نداده اند و پنجم است چای نداده اند هر چه شکایت میکنند و از تلگرافانی که جیب بنده هم راست بوزارت دارائی تلگراف میکنند ، جواب بآنها نیندند آنوقت دکتر میلسو اجازه میداد این شکرهایی که میآوردند بدون اینکه جز سهمیه حساب شود از آنها یک منافی میگردند حق الارض هم میگردند حق عسور هم میگردند بآنها اجازه میدادند که این شکر ها بآنها داده شود ولی از بیست ماه باین طرف که این شرکت تاسیس شده در تمام بنادر ایران نه تنها منحصر بیوشهر بلکه در بندر عباس است در بیوشهر هست در خرم شهر است در سایر بنادر هم هست . بیطور در بندرهای مختلف در حدود ۱۲۰۰ تن است آنوقت آمدند چه کردند بنده خودم رفتم در گمرک بیوشهر در اول خرداد امسال که مردم شکایت میکردند دیدم که تمام اینها در بیوشهر بیش از هزار کیسه نیست ولی بقیه در سایر جاها است ، من رفتم در هوای گرم در انبار ها در جاهای رطوبتی زیر انبار و با آقای دکتر مصدق هم همین را عرض کردم که از زیر کیسه یک شیره سرخی سرازیر شده بود و توی انبارها متعفن کرده بود و توجه باین است که حق الارض را هم میگیرند همین طور بیست ماه است آقای دکتر مظفری که این شکر آنجا مانده آقای وزیر دارائی از یکدینار حق الارض هم نینگردد و پیروز حساب کردند گفتند کیلویی هم یک تومان سود بازرگانی بدهند سه قران و ده شاهی هم حق انحصار بدهند و بالاخره اینها چقدر برای مردم تمام شده است منفعت زیادی برده اند صورت دارد چهار تومان و نیم برایش تمام شده است ، چهار تومان و شش قران وارد شده سه تومان و هشت قران وارد شده است سه ماه قبل آقای دکتر مصدق استرحام کردند از آنجا که آقا بداد ما بر سر بدهستی مارت شکرها آب شد از بین رفت ، بسا ما بر سرید ، این شکر را اگر ما نیاستی وارد بکنیم چرا بماند اجازه دادند ، مردم بنفیس گمرک را برده اند ما مورین گمرک چرا اجازه داده اند مال متنوع ورود وارد شود ما وارد کرده ایم بیست ماهه شانزده ماهه هیچده ما مال آنجا خوابیده نه اجازه میدهند در بیاوریم به صرف مردم برسانیم نه لاقال در بازار آزاد بفروش برسد که باین طریق بازار قدری تنبیل بکنند و نرخ شکر نرسنی نکند و مردم در زحمت نباشند . بنده خودم یک مرتبه با آقای وزیر عرض کردم اجازه بدهید این را بر گردانند بدبختی که تمام هستش این چهار

تا گونی شکر است ، ده تا گونی شکر است اجازه بدهید وارد کنند مثل همیشه یا بر گردانند ، خودم رفتم اجازه گرفتم بر گردانند ، پنجه راهم گفتند از سایر جاها پنجه آزاد می آید و گفتند پنجه را بر گردانند و این شکر راهم گفتند اجازه بدهید بر گردانیم گفتند خیر ما باید سود بازرگانی بگیریم با ضرر می خورد . گفتند باشد تا تکلیف معلوم شود ، اخیراً هم آقای دکتر مصدق گفتند بایشان که سی گونی ، چهل گونی سبب زمینی داشته اند برده اند تلگراف کرده اند . آنوقت آن روز آقای دکتر مصدق آمدند گفتند که این شکرها را تجار رفته اند بکن چهار قران و ده شاهی خریدند و وارد کرده اند و می خواهند کیلویی شش تومان بفروشند اینها آقا یک سوء تفاهمی است ، اینها این شکر را که نرفته اند اجازه وارد کنند ، اینها از جاسک و چام بهار و بحرین آورده اند ، از ایر بنادر آورده اند اینها با معاوضه جنس آورده اند همین طور که عرض کردم اینها رفته اند سبب زمینی برده اند با اطلاع شورای شهرستان ، بدبخت ها مدت بیست ماه است دولت گمی می کنند بیست ماه است بدولت تقلم میکنند ، تظلمشان هم بجایی نرسیده ، آنوقت دیروز این جا کویا رفیق محترم من آقای ثقة الاسلامی هم فرموده اند این ها را دولت بهشان اجازه داده است ، و یک مبلغ هنگفتی بچیب معتکین ریخته اند ، این ها آقا معتکر نیستند آقا معتکر کیست ؟ درست رسیدگی بفرمائید دقت بفرمائید که این شکر را اگر اجازه داده بودند که شکر الان در بازار طهران یا همان بازار کرمان ، بلوچستان کیلویی شش تومان ، پنج تومان نبود و قیمتش میآمد یازده جلوش را گرفته اند و کمیته خاور میانه هم گفت که اجازه سهمیه شما حساب میکنیم مردم راهم متضرر کردند ، بخاک سیاه نشانند اگر گمرک اجازه ندهد چقدر تلگراف میکنند که کیلویی یک تومان میخواهند از ما سود بازرگانی بگیرند هر کیسه ای بیست و پنج تومان حق الارض بگیرند من با آقای وزیر دارائی گفتم مثل این است که یک زحمت کشیدن و نان خوردن آقا همینطور علی الهیاء یکمده را بیرون میکنند یک اداره انتظار خدمت میکنند سی نفر یک اداره ، هفتاد نفر یک اداره ، پنجاه نفر یک اداره ، پریش عدو زیادی از این منتظرین خدمت آمده بودند با اداره روزنامه کوشش ، قریب هفتاد هشتاد نفر میکنند که ما تأمین نداریم که نان خانواده مان را بدهیم یک تبصره هم در این گزارش کیسیون گذاشته شده است که دولت میتواند مردم مستخدمین پیمانی هم همین کار را بکنند این اسباب نگرانی و اضطراب اینها شده بود و آمده بودند که تکلیف ما چیست البته دولت بایستی برای این عدو مردم تبیین کار بکنند بنده میخواستم عرض کنم قسمتی از اراضی خیابان پهلوی را که سابقاً شهرداری فروخته است یک یک عدو زیادی بقیمت ارزان هم فروخته است از آنها هم التزام گرفته است که در ظرف یکسال خریداران بایستی بسازند ، الان یکسال یادوسال است فروخته است چرا اینها را مجبور نمی کنند که بسازند تا یکمده الا کاری داشته باشند برون عملی بکنند فعلی بکنند و متأسفانه آقای وزیر دارائی تشریف ندادند ، آقای وزیر فرهنگ ، آقای وزیر بهادری آقای وزیر کشاورزی تشریف دارند من از دولت تقاضا میکنم اول برای مردم کار نهی بکنند و بعد مردم را

بیکار بکنند ، بعد مردم را بی نان بکنند مردم گناهی ندارند آقا حاضرند با کمال زحمت روزی هشت ساعت ده ساعت زحمت بکشند برای خانواده شان نانی تهیه بکنند ، شمام هم میگوید فوج فوج هزار نفر ، هزار نفر ، یا صد نفر یا صد نفر اینها را بیکار بکنند و منتظر خدمت میکنند اینها اصلاً صلاح نیست و بنده میخواستم این تذکر را بدهم که فکری بکنند اول برای این مردم کاری فراموش نکنند بنده آقا بیرون بکنند

**۵) بیانات آقای دکتر مصدق بعنوان اخطار نظامنامه ای و پاسخ آقایان وزیر دارائی و صفوی**

**دکتر مصدق** - بنده اخطار نظامنامه ای دارم **نایب رئیس** - بفرمائید .

**دکتر مصدق** - قبلاً میخواستم عرض کنم که بسیار خوشوقتیم که دولت فوهم احساسات ملت ایران باین کیسیون مخالف است ( صحیح است ) و این کیسیون را بر خلاف صلاح مملکت تشخیص داد یعنی کیسیون که سفیر بود و دولت میخواست باینچ نفر تشکیل بدهد و بالاخره امروز اظهار میکنند که از بین رفت ملت ایران هیچوقت زیر بار اسارت نخواهد رفت ( صحیح است ) این قبیل کیسیونها هیچوقت برای مملکت جز ضرر چیزی ندارد ما در یکجا اختلاف داریم مملکت را نباید دچار اختلاف بکنیم حتی باید سعی کنیم هر چه زودتر این اختلافی که در قسمت شمالی است مرتفع شود من امروز در روزنامه خواندم که موضوع ایران را آقای تقی زاده آنجا در جزه دستور فرار نداده اند نینداند مقصودشان این است که در اون جلسه نباشد پایتخت در تمام جلسات جزء دستور نینداند بشود وقتی که ما معتقد بکیسیون نیستیم و کیسیون را مخالف صلاح مملکت میدانیم باید راه ما در سازمان ملل متفق مسدود نباشد تا بتوانیم هر چه زودتر قضایا را آنجا حل کنیم ( صحیح است ) و باید دولت هر چه زودتر تکلیف مملکت را معلوم بکنند و یکدولتی بیاید که سازمان ملل متفق هست با دولت شمالی مذاکراتی بکنند تا این قسمت حل بشود ( صحیح است ) هیچوقت نباید بیشتر از این مدارا و سامحه فائل بشود این قسمت عراض بنده راجع باین موضوع بود ، قسمت دیگر از عراض بنده راجع بفرمایشات آقای صفوی بود بنده با قسمت آخر بیاناتشان موافق هستم و با قسمت دیگر موافق نیستم راجع بقسمت پرسنل که آقای وزیر دارائی اظهار نمودند که ما میخواستیم اقتصادیات را منحل بکنیم چون استفاده نیکبندیم هیچکس را امروز نمیتوان بی کار کرد مردم بی نان می شوند بنده گمان میکنم اگر اقتصادیات نگاه دارند ، البته آنقسمت از اقتصادیات را آنچه را که لازم نیست باید منحل کرد و برای این اشخاص هم باید فکر کاری کرد امروز روزی نیست که مردم را بیکار کرد ( صحیح است ) باید فکری برای این مردم کرد این یکقسمت املاجات بقند فرمودند این مسئله خیلی مسلم است که چهار هزار خروار قند قدری با بلم نیندند آورد و چهار هزار خروار قند را با شش زارع کوچک آنها نمی دهند این مال یک تجار بزرگی است که بایک اشخاصی در این مجلس عرض کنم نوجده ساسمی دارند که آقای وزیر دارائی بجای اینکه خودشان در صلاح مملکت هر چه لازم است بکنند میگویند که ما یک تصویب نامه ای صادر کرده ایم می خواهیم تصویب نکنیم تصویب نکنیم میفرمائید نقش بکنیم نقش بکنیم بنده چند

نفر از آقایان میگویند بنده نیکبند بصره مملکت است ( صفوی - اسم ببرید آقا ) عرض کنم این موضوع که چهار هزار تن شکر است ( مهندس فریور - چهار هزار خروار آقا ) بله چهار هزار خروار است آن اشخاصیکه خریدند اند ، آنجا ما یکمده خریدند این شکر را از بابت سهمیه بمانجا دادند اگر اینطوریکه ایشان میفرمایند این شکر از بابت سهمیه باشد خاص داده شده است مثل فرض بفرمائید ، همان باینطوریکه نزدیک ایران است خوب اینها جنس سهمیه خودشانرا که بقیمت ارزان برده است آورده اند در بنادر ایران و اگر تجار از بنادر بزرگ خریدند بازم بهمان قیمت کارخانه که قیمت مبدأ همیشه معلوم است چند است خریدند اند هیچکس نباید برود بکنم ۶ تومان و ۷ تومان شکر و قند بخرد بیاورد در سرحد ایران و آنجا خود را دچار اعتراض یکمده ای بکنند که بعضیها اعتراض کنند که شما حق ندارید اینرا در ایران بفروشید . مسلماً این شکر بقیمت تجارتی خرید شده و مسلماً این شکر جزء سهمیه ایران حساب میشود اینک فرمودید سهمیه بمان نیندند ، نیندند ، دلیل حساب نمیشود برود بگیرند ، آنها سهمیه همین کردند اگر هم نیندند با توافق همین دولت است که نیندند آنوقت که دکتر میلسو بود دکتر میلسو گفت که ما قند احتیاج نداریم یک شکر عرض کنم که آمده بقیمت نازلی یعنی بقیمت خرید تمام مال انجازه ما بیکمده وارد بنادر ایران شده این شکر را هم اجازه نداشتند بیاورند این شکر را بنده که حساب میکردم الان منی پنج تومان بیشتر داد و دستم میشود ( صادقی - کیلویی پنج تومان ) بله کیلویی پنج تومان و شاید بیشتر داد و دست میشود این شکر عرض کنم دو تومان تقریباً وقتی که حساب کنید اگر ۱۹ قران برود بدهید نه هزار به تولید کنندگان برسد بیک تومان هم سهمیه دولت است که دولت از هر کیلویی بگیرد استفاده دولت است ، اگر آقای صفوی دلشان بچال این مملکت و بچال اهالی بنادر میسوزد میبایست این شکر را دولت بهمین قیمت بخرد و بین آن عدو یک سهمیه ندادند وقت ندارند بین آنها توزیع بکنند نه اینکه بتجار اجازه بدهد که این تجار بیاورند در بازار آزاد بقیمت پنج تومان ، شش تومان بفروشند و مسلماً این شکر را آنطوریکه بنده حساب کردم اگر بخواهند با ما بزرگ بفرشند سه میلیون و پانصد هزار تومان برای دولت ایران فایده دارد و وزیر دارائی هیچ نباید در اینجا ملاحظه نمایندگان مجلس را بکنند که نمایندگان طرفدار از یکمده تجار سرمایه دار میکنند . نه ماه قبل که اقدام باین کار میکردند بن هیچ نگفتند که جزء سهمیه ایران است . گفتند شکر است مال خودشان است میآورند میفرشند آقا شما موافق هستید گفتیم بله وقتیکه بیش از سهمیه بایران شکر نیندند هر قدر شکر مردم میتواند وارد بکنند بیاورند بفرشند مفید است اگر جزء سهمیه نشود البته بایستی فرمایشات آقا را استقبال بکنم شکر آوری آورده اند میخواستند بفرشند اسباب رفاه و آسایش مردم میشود ولی شکر یکی که جزء سهمیه است خدا شاهد است یک عدو از این شکر استفاده های هنگفت میکنند فقط مقصود همین است و چیزی دیگری نیست ،

**وزیر دارائی** - اجازه بفرمائید ؟

**امینی** - پس است آقا موضوع شکر وقت

**نایب رئیس** - آقای امینی صحبت نکنید ، آقای وزیر دارائی

**وزیر دارائی** - والله بنده خواستم مطلب کوتاه بشود . دیروز دو دفعه توضیح عرض کردم و مطلب بنظر بنده کافی بود والان برای اشاره ای که آقای دکتر مصدق السلطنه فرمودند مجدداً حضورشان توضیح عرض میکنم این شکرها همانطوریکه دیروز فرمودند بیش از یکسال ، یکسال و نیم است که آمده ریال ۵۳ ریال نبود خاطر آقایان مسبق است کیلویی چهارده تومان و سیزده تومان و یازده تومان حد اقل در یک سال و نیم قبل در بازار آزاد قیمتش بوده است ( صحیح است ) بنابراین اگر امروز یکمده رفته باشند آن شکرها را از قرار کیلویی دو تومان سه تومان چهار تومان خریدند باشند از لحاظ تجاری ممکن بوده است حالا هم اگر از لحاظ احتمال میفرمائید احتیاجاتش را عمل میبودنشان داد که ما بیبینیم از موازین یک شکر می آورند ( بکنند از نمایندگان - از افریقا می آورند ) از افریقا می آورند عملش را اگر میفرمائید ممکن است برسد و مسلم بشود از آقایانی که سابقه تجارت دارند ممکن است تحقیق بکنند بنابراین اینرا نیندند گفت که چون نیندند از جای دور با بلم آورد اینها نیاورده اند احتمال عملش ممکن است حالا واقعا این شکرها را همینطور که میگویند از افریقا آورده اند یا از دی بنده چه عرض کنم و اجازه دادن بتجار که شکر آزاد خودشان را بیاورند این کار این دو ماهه نیست دوسه سه مرتبه در ظرف این مدت اتفاق افتاده و اجازه داده اند چون اجازه داده اند بازم رفته اند آورده اند بخال اینکه بهشان اجازه میدهند اما اینکه فرمودند جزء سهمیه حساب میشود آن روز هم این را توضیح دادم همیشه اینرا گفته اند که اشخاص هم بیاورند جزء سهمیه حساب میشود اما حالا میگوئیم نکرده اند نکرده اند وسیله نداشته اند وزارت دارائی در طرف این مدتی که سهمیه قندش را میگرفت همیشه منتظر بود که بهش خبر بدهند که آقا فلان کشتی رسید یک نماینده بفرستید سهمیه شما را تحویل بگیرد هیچ نمایندگی نداشت وزارت مالیه در خارج که بتواند سهم خودش را بخرد و بیاورد حالا باید یک ترتیب دیگر بشود بسیار خوب این کار این دو ماهه نیست تمام این دوسه سال همینطور بوده است ( دکتر مصدق - همه استفاده ها را روی این اصل کردند آقا ) حالا هم عرض کردم دیروز هم عرض کردم که طوری نشده است . مجلس شورای ملی تصویب نیندند باینکه این تصویب نامه را بنده عرض کردم ملتی میکنند مشکل نیست طوری نشده که بگوئیم حالا کار گذشته است اما این مطلب که میفرمائید وزارت دارائی اینرا بخرد بخرش رسمی که از سایرین میخرد این هیچ قانونی نیست و هیچ الزامی برای آنها نیست که اینها را بخرش رسمی بوزارت دارائی بفرشند این یکی از چند راه را دارد یا باید بگوئیم بردارید بپیرید یا باید بگوئیم اینقدر آنجا بماند تا نابود بشود یا یکی از این ترتیبات اجازه بدهیم وارد مملکت بشود بنظر بنده این قسم از بهترین شقوق است

**صفوی** - آقا بنده اخطار دارم بنده توهین کردند

**نایب رئیس -** بفرمائید  
**صفوی -** عرض کنم باز همان سوه نفاذ است که آقای دکتر مصدق تصور کرده اند دو سه نفر تاجر رفته اند بجای چهار هزار خروار شکر سفارش داده اند آورده اند بگردد که خیر اینطور نیست آقای دکتر بزرگوار که تکرار آن زیاد کرده اند تعقیب بکنند از اداره کمرک انبار اداره کمرک توی خیابان سه اشخاصی هستند همانطور که عرض کردم پنج گونی ده گونی بیست گونی اینها که تاجر محترم هستند اینها با کمال زحمت با اطلاع شورای شهرستان سبب زمین لویا برده اند به (دبی) به مستطیسایر بنادر و از آنجا ده گونی شکر بهشان داده اند این تاجر محترم نیست که این برود سه ماهه شکر را از جاوه بیارود هر جا که در آن بنادر هستند بیچوقت شکر استعمال نمیکنند بجای شکر نفوس تلخ میخورند چون مورد استعمال ندارند سبب زمین میگیرند آذوقه میگیرند شکر میدهند این بیچاره ها همانطور که عرض کردم بیست ماه قبل شکر را آورده اند آنوقت کیلویی یازده تومان و دوازده تومان بوده است بنده یکی از صورت حسابها را دیدم یک تاجر بدبختی هفت ماه دوندگی میکند که برای این شکر که نمیدانم هفتاد یا هشتاد تا کیسه شکر آورده این اشخاص آقا بیست ماه دوندگی کرده اند مگر با آقای بدر گفتم مکرر با آقای بهنیا گفتم که آقا اجازه بدهید بگردانند گفتند اجازه نمیدهند حالا (دکتر مصدق - صورت وارد کنند گارا منتشر کنید معلوم میشود) وارد کنندگان کل که اینها نیستند وارد کنندگان جزء هستند که همانطور که عرض کردم رفته اند از دست سوم و چهارم خریدند کیلویی چهار تومان و پنج تومن خریدند ، چهار تومان خریده اند من تعجب میکنم آقا بفرمائید بعضی از کلاه شریکند من از این فرمایش تعجب میکنم که شریک است ؟ این را اسم ببرید موضوعی را که فرمودند بعضی از کلا با آنها شریکند کی شریک است آقا این برای ما همین است ، تمام این حرفها بماند بر میخورد، ما با کمال صداقت داریم بایران خدمت میکنیم اینها بن خبی بر میخورد این فرمایشی که بفرمائید اینها شریک هستند ، من شریک هستم ؟ من با هیچکس شریک نیستم من با کمال شرافت در این مملکت زندگی کرده ام و چیزی هم ندارم ، من با کسی شریکم آقا چرا تهمت میزنید چرا افترا میزنید ( بکنفران نمایندگان باجناب عالی نبودند ) فرمودند که بعضی از کلاه شریک هستند من مدافع آنها هستم از جناب عالی شایسته نیست که این فرمایشات را بفرمائید و بهرامت من کنید

**بکنفران نمایندگان -** اگر صورت را منتشر کنید درست میشود

**۶- سؤال آقای فرمانفرمایان از آقای وزیر جنگ**  
**نایب رئیس -** آقای فرمانفرمایان یک سؤالی از آقای وزیر جنگ کرده اند اگر اجازه بفرمائید وارد دستور شویم؟ مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر) با آقای فرمانفرمایان بفرمائید

**فرمانفرمایان -** عرض کنم بنده مدتی قبل از آقای وزیر جنگ سؤالی کرده بودم این بود که حالا تشریف آورده اند و حاضر شده اند برای جواب

(فداکار - آقای دکتر طاهری تشریف نبرید شما که تشریف ببرید مرده هم میروند) حالا موضوع سؤال را بنده برض آقایان میرسانم ، البته آقایان در نظر دارند که در نتیجه حوادثی که در تبریز و در آذربایجان روی داده بود آقای وزیر جنگ هم بگروزی در ضمن تقدیم یک لایحه ای اشاره فرمودند که دولت مخصوصاً نظرش این بوده است که حتی الامکان حوادث سوئی روی ندهد و طرفیتی بین قوای مسلح دولت باقوای دیگر صورت نگیرد و دستوراتی هم در این زمینه فرمودند که صادر کرده اند و واقعا هم امروز خیلی اسباب خوشوقتی فراهم شده که دولت لافاقل تا این اندازه در فکر بوده است که نگذارد حتی المقدور در آنجا یک برادر کشی روی بدسد و بعد از همین مذاکرات با مقلان همین بیاناتی که آقای وزیر جنگ فرموده بودند یک خبری در جرابد تهران منتشر شد و آن این بود که آقای سرتیب درخشانی که در شهر تبریز فرمانده قوای آنجا بودند ، فرمانده قوای لشکر بودند ایشان در مراجعت مورد مزاحضه شده و توقیف شده اند عرض کنم بنده دیدم که این بیانی که آقای وزیر جنگ بنام دولت فرمودند با این عملی که انجام گرفته است یک تناقض خیلی بین ورشنی دارد و این البته محتاج باین است که آقای وزیر جنگ یک توضیحاتی بدهند تا اینکه افکار مردم ، افکار بیکه متوجه هستند همین گفتگوها بیکه در مجلس میشود بقیای اوضاع خودشان بی ببرند ، بنده شخصاً این آقای سرتیب درخشانی را نمیشناسم و هیچ اصلا همکل و هولای او را ندیده ام و او هم بنده را نمیشناسد ولی چیزی که بنده اطلاع دارم این است که اگر این شخص واقعا یک افسر جلفی بود یا اینکه یک آدمی بود که یک قدری تفکر و تفکر و تفکر نمیکرد ممکن بود که در نتیجه یک حوادث و یک عملیاتی و یک فرمان و دستورات غلطی یک حادثه بی تاسف آذوقه خیلی تاسف آور تر از آنچه که فعلا روی داده است در شهر تبریز روی بدهد یعنی مسلماً چندین هزار نفر تلف میشدند و عرض کنم شاید نصف شهر تبریز بیبنا میرفته است بدون تردید (اردلان - حالا هم همینطور شده است) این بود که اینجلا لازم شد بنده این سؤال را بکنم و البته حالا بنده ریشه قضیه را نمیخواهم شرح و طول بدهم تمام این حوادث بیکه آنجا روی داده است در یک محکمه ای که شما اگر تشکیل بدهید برای رسیدگی باهالی بکنفران از اعضا وزارت جنگ معلوم میشود بنده آرزو مند بوده هستم که یک محکمه ملی هم تشکیل میدادند و اعلان نمایانند گان راه رسیدگی میکردند (صحبیح است) بنده نهایت آرزو را داشتم تا در آنجا مسلم و معلوم بکنند که این قضایای آذربایجان یک چیزهای ساخته و پرداخته نبوده است که هم بطور از آسمان سرازیر شده باشد بر اهالی این مملکت این یک کارهایی بوده که بتدریج با سوء سیاست ها با سوء تدبیر ها بپاک تدری عمد در واقع این اوضاع کم کم با بصورت در آمد که ملاحظه بفرمائید غیر از اینکه ما خود نمایندگان آذربایجان در واقع قاصر و بلکه مقصر هستیم البته دولتهای وقت هم نسبت بکلیه شئون اجتهای مملکت آن تصور را هم بطور بصرات بمداز سوم شهریور حفظ کرده اند و بهمان رویه ادامه داده و هنوز هم ادامه میدهند و امام این مذاکرات که پیش میاید اینجا و تمام این ایرادات که ما میگوئیم آقا روی همین اصول سیاسی است که درست خطمشی

سیاسی دولت است و وقتی هم یک صحبتی میشود بعضی ها در واقع میگفتند که چرا این بیانات شده است در صورتیکه اگر ما این قضایا را نکو کنیم و اخفاء بکنیم دیگر آنوقت در همه جا بدتر از اوضاع آذربایجان فعلی پیش میاید و ما هم نمیتوانیم جلو گیری بکنیم اما آقا ما میخواهیم حرفه از ده شکر گفته شود تا دولت ناگزیر و مجبور شود که خط مشیش را تغییر بدهد تا اینکه اوضاع بصورت عادی بلکه برگردد و حالا این مشی سیاست صومی دولت بود اما در این قسمت بخصوص اگر جناب آقای وزیر جنگ از نقطه نظر ایرادات انطباطی باین اقدام مبادرت جسته بنده ایرادی ندارم بنده اول کسی هستم که متقدم نمایانم پایه درسیان و انطباط قشون را متزلزل بکنیم بنده خود همیشه موافق این فکر هستم اگر این فکر باشد و موافق هستم که باید همیشه دقت و انضباط در قشون باشد و آنروز که آقا فرمودند یک شخصی مثل سر لشکر آقا اولی را آورده اند در راس مجاکمات قشونی قرار داده اند واقعا بنده این سر لشکر و واقعا یک قدم اساسی و اخلاق این سر لشکر و واقعا اگر خودتان منصفانه قضاوت بفرمائید این سوءظن و این عدم تمایلی که به اوضاع قشونی امروز نشان داده میشود خودتان هم بر خورد فرموده اید که در این مجلس قسمت اعظم آقایان موافق هستند که باین اوضاعی که قشون اداره میشود ماهه میدانیم یک دستها بیکه غیر مسئول هستند و نباید امور لشکری دخالت کنند و دخالت میکنند و حق ندارند دخالت بکنند مطابق قانون اساسی ما چاره قانون اساسی به فلان ماده اش می چسبیم و میگوئیم ولی مواد دیگرش را هم بطور زیر سیبیلی رد میکنیم قانون اساسی تصریح دارد همه کس حق ندارد در امور لشکر دخالت بکند و ما میدانیم که امور وزارت جنگ تابع بعضی اراده ها است ، تابع اراده های غیر مسئول است ، و نباید باشد (صحبیح است) از این گذشته خود تشکیلات وزارت جنگ چون مستقیماً مسئول در برابر مجلس شخص آقای وزیر جنگ هستند البته هر چه آقا بفرمائید ما هم آنقدر بی اطلاع نیستیم در وزارت جنگ آنطوریکه باید ، شخص وزیر جنگ تسلط تمام شبات ورشته های کنونی داشته باشد ندارد و نداشته است نه اینکه آقا ندارند ، اینکه عرض میکنم نباید آقا بر خورد این نواقصی است که بعد از شهریور و در تمام دوره سیزدهم و دوره چهاردهم باین منوال جریان داشته است و هیچ مسئولیتی هم بشخص شما متوجه نیست قبل از شما هم این ایرادات بوده حتی در دوره سیزدهم در کمیسیون بودجه خیلی بارز تر از آنچه که بنده اینجا عرض میکنم این مسئله در یکی از جلسات کمیسیون بودجه دوره سیزدهم که همین آقای ملک مدنی ریاست داشتند این مسئله شکافته شد و کلا در آنجا بحث شد و شخصی که وزیر جنگ بودند قبول دادند بکمیسیون که حتی الامکان این کارها نخواهد شد و رفتند و یک تظاهراتی کردند در همان رشته های انضباطی وزارت جنگ حالا اگر این شخص را از نقطه نظر انضباط توقیف کرده اند البته بنده عرضی نداشتم خیلی هم موافق خواهم بود و خیلی هم مورد تحسین و تمجید بنده هم فرار خواهد گرفت ولی اگر همان طور که سوء ظن میورد و جمعی این عقیده را دارند از نقطه نظر همان کسب کسبهای داخلی وزارت جنگ از نقطه نظر همان حب و بغض ها بیکه در واقع جانشین مقررات و قوانین وزارت جنگ شده است البته در اینجا بنده و دیگران تعقیب خواهیم کرد این را

**۷ - احتیاط آقای نایب رئیس و تعطیل جلسه**  
**فیروز آبادی -** آقا اگر دیگران مداخله در مملکت مانع بگردند این طور نمی شود  
**پروین گنابادی -** از دفع راکه آورده است این حرفها چیست سید میکرسفیه هستی  
**نایب رئیس -** آقای گنابادی ساکت شوید بشما اختیاری کنم حرفتان را از آقای فیروز آبادی پس بگیرید  
**پروین گنابادی -** بنده ساکت هستم چرا مزخرف می گوید  
**قبادیان -** چرا اهانت میکنی حرف نزن ، فداکار - خفه شو  
**قبادیان -** حرف نزن خفه شو دزد گردنه  
**نایب رئیس -** آقای قبادیان ساکت شوید بشما اختیاری میکنم  
**پروین گنابادی -** ملت ایران قضاوت خواهد کرد ، ملت ایران همه را می شناسد  
**قبادیان -** بله همه مرا می شناسند ، چرابی خود حرف میزنی ، خودم آزاد بخوام بودم آباء و جدادم هم آزاد بخواه بوده اند ... (زنک رئیس - مهمه و قیل و قال و فوغای نمایندگان)  
**نایب رئیس -** آقای نایب رئیس -

**اخبار مجلس**  
 شماره ۷۱  
 تاریخ ۱۳۲۴/۱۰/۱۳  
**گزارش از کمیسیون بودجه بمجلس شورای ملی**  
 کمیسیون بودجه جدید در تعقیب گزارش لایحه چهار دوازدهم بطوریکه در مقدمه گزارش اشاره شده مواد الحاقی دیگری که پیشنهاد شده بود مطرح نموده و با موافقت آقای وزیر دارائی مواد زیر را تنظیم و اینک گزارش آنرا تقدیم میدارد که ضمیمه لایحه سه دوازدهم بودجه شود  
 ذوزارت دارائی مجاز است از موجودی دولاری دولت مبلغ چهار هزار و نهصد دلار برای تأمین هزینه اداری صندوق و بانک بین المللی بسدوت امریکا پرداخت نموده و هرگاه موافقت تمام پرتون و و دز تا پایان نهم دی ماه ۱۳۲۴ به مورد اجرا گذاشته نشود وجه مزبور را مسترد نماید  
 ض دولت مکلف است بودجه بانکهای صنعتی و کارخانجات دولتی و بنکگاه راه آهن را بیش بینی نماید تمام مسئولیتها را از روی کرده افسران جزء بگذارد و آن افسران ارشد که بقول معروف میگویند امرآ آنها در واقع خارجند از تشکیلات بنده کلاما مخالف هستم و شما که خودتان فرمودید که باز ده سال در فرانسه بوده اید و تحصیل کرده اید بنده هم بودم ، انصاف میخواهم از شما آن رفتار آن کردار ، آن بر خورد یک صاحب منصب ارشد در فرانسه و در همه اروپا با مطابق است با این بر خورد بیکه ما این جا با افسران میکنیم و مشاهده میکنیم طرز و اسلوب بر خورد آنها را با زیر دستان خودشان این طور است ؟ (قبادیان - آقا این اختیاط نبود) هر چه بود شما باید گوش بکنید شما فطحت دارید گوش بکنید

الف / ۹۲۴۶ / ۲۴۵۰۲۱  
 ۱۳۲۴ / ۱۰ / ۱۷  
**بخشنامه**  
 تبصره الحاقی بماده ۶۳ آیین نامه اجرای ثبت ذیلا ابلاغ میشود  
 تبصره در مواردی که وجود مال باطلب نزد شخص ثالث بموجب سند رسمی مجرز باشد صرف انکار شخص ثالث مانع از تعقیب اجرائی نسبت باو نیست  
 ۴ - ۵۰۴۲ مدیر کل ثبت  
**نایب رئیس -** آقا ساکت بشوید تریک میکنم ریاست را  
 در این موقع (سی و پنج دقیقه بعد از ظهر) آقای نایب رئیس جلسه را ترک و مجلس تعطیل شد  
**نایب رئیس مجلس شورای ملی -**  
 ملک مدنی

**سؤالات نمایندگان**

**مقام ریاست مجلس شورای ملی**  
 مستدعی است مقرر فرمائید سؤال زیر برای آقای وزیر خارجه ارسال گردیده و خاطر نشان شود هر چه زودتر و قبل از آنکه فرصت از دست رود برای پاسخ حاضر شوند  
 ۱ - ماموریتی که دولت به نمایندگان ایران در سازمان بین الملل محول نموده چه بوده و آقای تقی زاده بچه دستور و امر اظهار داشته اند که از طرح موضوع ایران در اولین جلسه سازمان خودداری خواهند نمود  
 ۲ - آیا این خودداری برای تمام مدت تشکیل سازمان در لندن خواهد بود یا موقتی است  
 ۳ - آیا اظهارات آقای تقی زاده با تشکیل یک کمیسیون سه جانبه در ایران بستگی دارد یا خیر  
 تبصره تاش

**انتصابات واحکام**

**وزارت دادگستری**  
 ۱ - آقای تقی عدالت بخشدار باجگیران سمت مأمور صلح باجگیران  
 ۲ - محمد علی خورشیدی بخشدار شیروان سمت مأمور صلح شیروان  
 ۳ - حسین ارشادی کارمند منتظر خدمت سمت امانت دادگاه بخش رفسنجان  
 ۴ - عبدالعلی شجاعی ایبوردی معاون اداره تریک بوشهر سمت بازپرسی کمرک بوشهر  
 ۵ - نصرت الله امینی معاون اداره بازرسی امور اداری سمت ریاست دادگاه کیفر کرانه روشی در مرکز شهربرداری  
 ۶ - اکبر دانا سرشت بازرس قضائی سمت ریاست دادگاه کیفر کرا افروشی در مرکز شهربرداری

**دروازت دادگستری**  
 ۱ - آقای احمد فرامرزی کارمند اداره حقوقی بوزارت دارائی منتقل شدند  
 ۲ - آقای علی صدیق ساوجی کارمند منتظر خدمت سمت کارمندی دادگاه املاک واگذاری کرگان  
 ۳ - آقای علی صدارت رئیس دادگاه شهرستان شیراز سمت ریاست دادگستری استان ه  
 ۴ - آقای باقر عالمی دادستان شهرستان شیراز سمت ریاست دادگاه شهرستان شیراز  
 ۵ - آقای ابوالقاسم انوری پور کارمند منتظر خدمت سمت مستشاری دادگاه استان ۷  
 ۶ - آقای علی جهانشاهی بخشدار رشتخوار سمت مأمور صلح رشتخوار  
 ۷ - آقای پروین صفاغی بخشدار خواف سمت مأمور صلح خواف  
 ۸ - آقای مهدی عظیمی باجگیران دادگستری مراغه سمت بازپرسی شعبه ۱۲ دادسرای تهران

۹ - آقای نصیب خلعتبری امین دادگاه بخش ماکو بسمت دایباری دادسرای شهرستان تهران

۱۰ - آقای اسمعیل مزارعی دایبار دادسرای تهران بسمت بازپرسی شعبه ۱۵ دادسرای تهران

۱۱ - آقای محمد پیرنیا بازپرس شعبه ۲ دادسرای شهرستان سبزوار بسمت بازپرسی شعبه اول دادسرای شهرستان سبزوار

۱۲ - آقای نور علی الهی مستشار دادگاه استان ۵ بسمت دادستانی شهرستان قم

۱۳ - آقای محسن گنابادی رئیس شعبه ۴ دادگاه استان ۹ بسمت ریاست دادگستری استان ۱۰

۱۴ - آقای عبدالله ناجی بازپرس دادسرای نظامی بسمت بازپرسی شعبه ۱۷ دادسرای تهران

۱۵ - اطفالی بیگدلی بازپرس شعبه ۱۶ دادسرای تهران بکارمندی علی البدل دادگاه بخش تهران

۱۶ - دکتر عبدالملی دهقان کارمند علی-البدل دادگاه استان ۷ بسمت دادستانی شهرستان شیراز

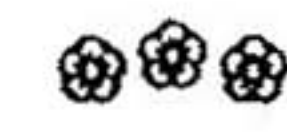
۱۷ - آقای محمدباقر امین کفیل یار که دیوان جزا بسمت ریاست دادسرای دیوان کیفر

وزارت کشور

آقای محمد ابراهیم نامور کارمند اداره دفتر وزارتی از تاریخ ۲۰ ر ۱۰ ر ۲۴ بسمت بخشدار چهاردانگه منتقل شد



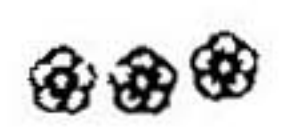
آقای کریم مبصر روشن معاون استانداری ۳ و فرماندار تبریز از تاریخ ورود بمحل مأموریت بسمت فرمانداری ملایر منتقل گردید



آقای ابراهیم شایان فرماندار گرگان از تاریخ ورود بمحل مأموریت بسمت فرمانداری قزوین منتقل گردید



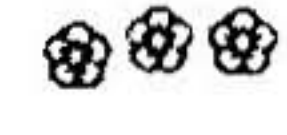
آقای علی محمد صدیق شهبازی کارمند منتظر خدمت از تاریخ اول دی ماه سال جاری بسمت فرمانداری سیرجان منتقل گردید



آقای علی اصغر طاهری از تاریخ ۱۹ ر ۱۰ ر ۱۲۲۴ بسمت بخشدار افجه منتقل شد



آقای تقی اسمعیلی بخشدار افجه از تاریخ ۱۹ ر ۱۰ ر ۱۳۲۴ بسمت بخشداری کن منتقل گردید



آقای مصطفی صدوقی کارمند بازنشسته از تاریخ ۱۷ ر ۱۰ ر ۱۳۲۴ بسمت بازرس وزارتی منصوب شد

شهربانی کل کشور

رئس‌دبان ۱ حبیب‌الله افخمی رئیس دایره رانندگی داخلی از تاریخ ۱۰ ر ۱۳۲۴ بریاست شهربانی ساوه منتقل گردید

وزارت کشاورزی

آقای مهندس جعفر مدنی بسمت بازرس کل منطقه شمال و ریاست اداره کشاورزی شهرستان رشت منصوب شد

شماره ۱۶۳۴ ۲۴۱۰۰۹

تصویب نامه

وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۴ بنا به پیشنهاد شماره ۲۰۷۶۱۱۱۶۲۳۸ وزارت کشور تصویب نمودند از تاریخ صدور این تصویبنامه عوارض مشروحه زیر:

۱- از بهای کارتهای ورودی و بلیط بسنماها و تئاترها - تماشاخانههای عمومی و هر گونه ضیافتها منجمله مجلس رقص - رستورانها - کبابخانهها و کبابخانهها برای ورود بانها حق ورودیه تعیین شده ۲۰ در ۱۰۰ تبصره - ضیافتها و تماشاهائیکه عواید حاصله آن برای امور خیریه تخصیص داده شود از پرداخت عوارض معاف میباشند.

۲- از برگهای معاینه پیشه وران هر برگی ۲۰ ریال.

۳- از بهای محصول کوره یزی و مواد کچی که وارد و یا مصرف میشود ۱۰ در ۱۰۰.

۴- از وسایط نقلیه موتوری بشرح زیر:

الف- از اتوموبیلهای شخصی ماهیانه ۱۰۰ ریال  
ب- از درشکههای شخصی و کرایه ای ماهیانه ۳۰ ریال.

ج- از کرایه های اسبی ماهیانه ۳۰ ریال.  
د - از اتوموبیلهای کرایه سواری نفری ۲۰ ریال.

ه - از مسافرین اتوبوس که شهرهای دیگر میروند بمتناسب بخدمات مسافت از ۲ تا ۱۰ ریال و - از مسافرین هواپیما در صورتیکه بآمد مسافرت کرمانشاهان باشد نفری ۵۰ ریال

۵- از حیواناتیکه در حوزة شهر کشتار میشوند:

- الف- از هر رأس گوسفند ۱۲ ریال
- ب- » بز ۶ »
- ج- » بزغال ۴ »
- د- » بره ۶ »
- ه- » گاو ۲ »
- و- » گوساله ۱۰ »
- ز- » گاو میش ۵۰ »
- ح- » خوک ۱۰۰ »

۶- از هر نمره تلفن غیر دولتی شهری سالیانه ۱۲۰ ریال.

۷- از هر رادیو سالیانه ۳۶۰ ریال تبصره- فروشندگان رادیو ملزم بپرداخت عوارض

رادیوهای موجود خود نبوده لیکن موظفند از تاریخ فروش هر دستگاه رادیو منتهی تا ظرف ۱۰ روز اداره شهرداری را از نام و آدرس خریداری رادیو مورد معامله مستحضر دارند.

۸- از بهای تمام معاملات دفاتر رسمی ۲۰ در ۱۰۰.

۹- از گارازها بتشخیص شهرداری ماهیانه از ده تا ۳۰ ریال.

۱۰- از مهمانخانهها بتشخیص شهرداری از ۷۰ ریال تا ۴۰۰ ریال در ماه.

بمنفع شهرداری کرمانشاهان دریافت شود. تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است.

م- ۵۹۵۴ شماره ۱۰۹۹ وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه ۲۱ آذرماه ۱۳۲۴ بر طبق پیشنهاد شماره ۲۲۹۰۹ - ۱۲۳۸۳ وزارت

کشور تصویب نمودند از تاریخ این تصویبنامه عوارض مشروحه زیر:

۱- از درآمدخالص سینماها و تئاترها و تماشاخانه و هر گونه ضیافتها منجمله مجلس رقص که ورودیه گرفته میشود صدی بیست.

۲- از بهای محصولات کوره یزی صدی بیست.

۳- از مال الاجاره محل کسب پیشه وران و بنگاه ماهیانه ۵۰.

۴- از برگهای معاینه پیشه وران پنج ریال در ماه.

۵- از اتوبوسهای کرایه و کامیونهاییکه مسافر میبرند مشروط بر اینکه اتوبوس شهری بوده و بمبد مسافرت نیز خود اهر باشد به نسبت مسافت نفری از ۲ تا ده ریال.

۶- از دو چرخه های پائی کرایه ماهیانه ۴۰ ریال.

۷- از کرایه های در کشتار گاه کشتار میشوند بشرح زیر:

- الف- از هر رأس برده ریال ۵۰
- ب- » گوسفند ۱۵ ریال
- ج- » گاو ۳۵ ریال
- د- » » » ۵۰ ریال
- ه- از کرایه های درجه ۱ ماهیانه ۲۰ ریال
- و- » » » ۲ » ۱۰ ریال
- ز- از مستاجرین آسیابها سالیانه ۱۰۰ »

بمنفع شهرداری اهر وصول شود. تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است

م- ۵۹۵۵ شماره ۱۲۴۱۴ وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه ۲۱ آذرماه ۱۳۲۴ طبق پیشنهاد شماره ۱۸۲۶۹ - ۳ - ۲۴۷۱۱ بتاریخ ۲۲ ر ۱۲ ر ۱۳۲۴ عوارض ردیفهای شماره

۳ و ۴ و ۶ و ۱۰ و ۱۲ تصویبنامه شماره ۲۲۹۵۲ - ۲۲ ر ۱۲ ر ۱۳۲۴ راجع بعوارض شهرداری مشهد از

پروانه کسبه و پیشه وران و دفترچه معاینه پیشه وران و محصولات کوره یزی و خانه های مسکونی غیر- اجاره و رادیو بشرح زیر اصلاح شود

۱- از پروانه کسبه و پیشه وران نسبت بمال الاجاره محل کسب و حرفه ماهیانه صدی ۳

۲- از دفترچه معاینه پیشه وران سالیانه بیست ریال

۳- از بهای محصولات کوره یزی صدی ۱۵

۴- از منازل استیجاری ماهیانه صدی ۴ از مال الاجاره از مالک و از هر نوع محل کسب ماهیانه

صدی ۶ از مال الاجاره از مالک تبصره - منازل مسکونی که مالک سکنتی دارد از عوارض معاف خواهند بود

۵- عوارض رادیو موضوع ردیف ۱۲ تصویب نامه شماره ۲۲۹۵۲ - ۲۲ ر ۱۲ ر ۲۳۱۲ ملغی و رادیو از

عوارض شهرداری معاف خواهد بود تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است

م- ۵۹۵۳ شماره ۱۸۶۷۲ وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه هشتم دی ماه ۱۳۲۴ بر حسب پیشنهاد شماره ۴۹۵۶ - ۴۸۹۳۸ وزارت کشور تصویب نمودند که مرکز بخش طالقان که فعلا

در کولج است بشهرک انتقال یابد تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است

م- ۵۹۵۹ نخست وزیر